

کتابخانه مجلس شورای اسلامی
۱۳۶۷



بازدید شد
۱۳۸۲

اسکن شد
۱۳۸۷ / ۷ / ۸ - ۸
۳-

کتابخانه و مرکز اسناد و اطلاعیه ای اسلامی
۱۴۳۶۸
تلفن ۰۲۱ ۸۳۳۳۳۳۳

۹۱۷۷- بی


کتابخانه مجلس شورای ملی

کتاب: کجند التورک فی ممالک ایران
مؤلف: اسمعیل حسینی لفرسی (دربار)

موضوع: تاریخ

۱۹۹۸

شماره ثبت کتاب: ۸۵۷۱۴



کتابخانه و مرکز اسناد و اطلاعیه ای اسلامی
کتاب «فهرست شده»
۸۹۹۸

سخه بحاج زبیده بلکه منحصر بفرد

مختصر التواریخ تالیف اسمعیل مستوفی قمی متخلص به دبیر بکاخ لوف

دبیر درین تالیف کاتب بسیار ظریف و در بیع و جالبی را دست زده که بیش از وسیع کتاب دیگری تا نظر بفرستد
 یعنی که وقایع مهم تاریخی را از زمانهای قدیم تا عصر خود بطور خاص نقل و رباعی با هم تاریخ برای این ساخته است
 بطوریکه خود در یک آدره کتاب ۱۱ و جزیره تقسیم و بخش مهم و مفید آن مربوط بمقامین مختصر تاریخ بخش
 وفیات علماء و بعضی وقایع است که در آن ضبط نگردیده مانند زمین رفتن دیبای شمشیری است که نسبت
 به موزی غون در آن ولایت و هلاکت همه کارگران استخوان، اینصفت تاریخی و اسرار آن و مختصر
 نسبت به مخصوصی که برای بافت این پارچه بکار گرفته و سهرت جهان داشته در سال ۱۲۴۷ ص ۹۴
 کتاب افتادگیها و سقوط دارد و آنچه بر جهانند و موجود است بسی مستقیم و مفید و حاوی اطلاعات
 سودمند میباشد. دبیر که از مستوفیان معتبر و معروفند و اکادمی وارد در جریان امور بوده در باره پاره‌ها
 تاریخ اطلاعات و آن داشته منجمه جنگ ایران در روس و خیانت بعضی سرکردگان و علماء
 سی عباس میرزا نایب السلطنه را که در سنگت قشون ایران و بشیرفت و فتح روسها موثر و ذلیل میدان
 مطالب کتاب بهر احتیاط و وجرت بسیار شیرین و با انگیز باشد و حکایات طرفه و در بیع دارد
 مانند مکالمه و مطامع محمد شاه با میرزای قاجار (حاشیه ص ۱۱)

۹۱۷۷-۳

۸۹۲۸

۸۵۶۱۴

کتابخانه
اسلامی
۵۴ - ۵۵
۱۳۰۵

خطی



Handwritten text in Arabic script, likely a religious or historical document, covering the right page of the manuscript.

9177-3



31158





بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 زبیر محمد خد او درود سپهر که بست زبور اوراق و ز
 کارنده این بیانات المحتاج الی مغفرة رب القدر اسمعیل مستوفی
 نام و تخلص **لفظ تفرشی و در عرفی الله عن جبر ائمه چنین عرضه میدارد که در**
 زمان مقرون بسعدت و او ان سلطنت **علحضرت قویست**
 پادشاه حمیه عالم پناه ظل الله عادل شاهنشاه بزرگ
 سلطان بن سلطان بن سلطان و امخاقان بن بن بن
 قهرمان الماء و الطین شمس الملوک و السلاطین اعنی
 رؤف خسرو اول شهنشاه
 (مصنفه)
 عدایجان سلاطین **مصنفه الدین** اید الله تعالی دولته و آید
 رؤف
 عدایجان

طلال

طلال را فیه علی رؤس عریشته که تا بیخ میمون اینحال
 و خنده فال هایدون مطابق است با کلمه سعادت قرین
 (مصنفه الدین)

خاطر یاد کار طلب اقتضا نمود که بقدر امکان از حاصل
 ریاضات و افکار خود نمونه و آثاری بر روی کار آورد
 تا در صفحه روزگار جاوید ان بیاد کار بجاید

لکنند اجمع آوری این و جایز از نتایج افکار که در کتاب
 آثار الوقایع اقصینیفات خود مندرج و آنا انتشار آن

نام تالیف در کتب دیگر

کتاب مضمونه برای حقیر غیر ممکن بود اقدام کرده مخصوص
 و اطلاع مردمان دانش پروده برخی از قطعات مواد

تاریخ انکتاب کتفا و بمعرض انتشار رساند و مجموعه را
 موسوم سناحت (تجربته التواریخ) فی مواد تاریخ نام کتاب

مشکل

۹۱۷۷-۳

خطی

مشت بر پشت جبیره (الاول)

در بیان احوال و احوال و احوال حضرت خاتم النبیین
 و ائمه طاهریین صلوات الله علیهم اجمعین که از روی حقیقت
 علت غائی موجودات و بنای مسلمانی و کمال نبوت از
 تاریخ ظهور وجود و چو دایشانست پس در ذکر اسامی
 خلفای نبی امیر و بنی عباس معاصرین و معاذین امیر مدنی
 (الکتاب) در ذکر اسامی سلاطین آل بویه که ایشانرا
 دیلمه خوانند و طلوع و اول سلاطین صفویه مرومین مدینه
 هجده جعفری و سلاطین بعد از ایشان الی یومناهد (الثالث)
 و جبیره احوال العلماء در تاریخ بعضی از علماء متقدمین و معاصرین
 و وزیران و جبیره نصب و احوال در بیان بعضی از امرا
 و وزیران متعلق بایام دولت قاجاریه (انحالیس)

۹۱۷۷-بی

خطی

احوال

و جبیره نصب محکماء و اشعراء در تاریخ چند تن از حکماء و شعراء
 متقدمین و معاصرین (السادس) و جبیره از نخبه احوال
 در بیان بعضی از قضایاء و افتا قیامه از زمان (السابع) و جبیره
 قانونچه در ذکر اخذ و طرد حدود مواد تواریخ (الثامن)
 و جبیره موازین الاعداد در بیان سهولت جمع ساختن حدود
 ماده تاریخ (التحاطمه) در فواید اختصاص این صنعت
 اولاً برای طالبان رجوع بعمل فواید این فن است که
 عبارات منظومه زودتر بخاطر فواید نموده دیرتر از احوال
 محو میگردد ثانیاً احتمال تعبیر و تبدیل و تحریف و تصحیف
 و افتاء شبهه است که از عیثیت تقدیم و تاخیر سال و تواریخ
 و تحسیر اعداد که محتمل و متصور انواع مرقومات مسطوره
 دیگر است متضمن اوضاع این صنعت خاص بدوید

محتوی این منظومیه نسبت خاصه ایندقت و اهتمام
 که این بنده در این مواد معمول داشته و بروی کار آورده
 با آنکه دانشوران حسد و مندان عظیم الشان دانند که تیر
 اینوضع از تمام فنون ^{مشکله} ^{نسب} و این نوع از ایات ا
 چون دیگر انواع منظومات بصنایع بدیع شوان چند ^{یک}
 داد و دیره در صورتیکه مواد آن از نقص زیاده و نقصان ^{تظلم}
 تعمیر و لغز عاری و متر باشد و از مضمون یکصغ مقطع تمام مقصود
 حاصل آید و طالب را از شدت اعمال و خال و خراج مستغنی و
 بی نیاز گرداند باز این کم بصاعت تمام استحضات لازمه
 متداوله را در ترکیب انقیضات کامل عیار مقرر و بصبر و
 اعتبار که (تقتضی رضا بغیر سخط)
 درین و جایز درج و نصب و جمع نواقص و موجبات

جمع

۹۱۷۷-۳

خطی

از حلیه جمال اینجوخه محو و سلب نموده
 لکنه از بهمت کرمیان و صاحبان ناظرین درین
 مکتوبات طمس آنکه هر کس از عین غایت در اینجوخه کرد
 و بر سخنان نکات و دقائق مکتوبات و کثرت مشقت این
 احوج در ترکیب این قطعات مؤخر بنده خالی
 از حشو و زواید و ترتیب اینکلمات کثیر الفواید که نفا
 (و تقرّب الاقضى بلفظ مؤخر بنده)

اقل خصایص نسبت وقف کردد این قیل را در پادشاه
 باستغفار یاد و از حق جل و علا مشقت نماید که بجزای این
 رحمت کثیر بر بخیر رحمت کند و سیات اینکلام را بوالای آ
 انام و قولای علماء علام بحضرات ^{میتدل}
 و من الله التوفیق

از غیره

(جیزه) در ذکر احوالات زمان و احوال حضرت
 خاتم النبیین محمد مصطفی و حضرت امیر المؤمنین علی مرتضی
 و سایر ائمه معصومین صلوات الله علیهم جمعین که بر یک
 مطابقت نماید با اعداد کلمات مقینه مرقومه که بعد از کار
 نام مطهر بر یک جدا جدا معین گردیده

(حضرت سید المرسلین)

ولادت شب جمعه طلوع صبح صادق در مکه
 معظمه در شعب اطالب هفتم شهر ربیع الاول العباد
 هلاک صحاب فیل بحمل و خیز و یا پنجاه روز تقریباً
 یکمزار و پست و یکم از تاریخ اسکندر رومی و بقول
 سال بعد از هلاک صحاب نصیب و سی و چهار سال
 از سلطنت انوشیروان عادل و بقول سال چهل و دوم

سلطنت

سلطنت انشاه عادل چنانچه آنحضرت فرمود
 (و لِدَّتْ فِی نَحْوِ مَنْ مَلِکِ عَادِلٍ)

بهفت هزار و نصد سال و بهفت ماه و چهار روز از وقت
 آدم گذشته (مبعث) آنحضرت زوال روز
 دوشنبه پست و پنجم ماه حجب که از عمر شریفش چهل سال و
 چهار ماه و یازده روز گذشته بود در دامنه کوه حرار که مکه

که امیر المؤمنین علی علیه السلام با جعفر بن ابیطالب بنی
 آنحضرت در خدمت و شرف ملازمت داشتند

(هجرت) آنحضرت از مکه معظمه مدینه

که تاریخ اسلام را از آن روز مقرر داشتند یوم پنجمین غزه
 الاول سال سیر و پنجم از بعثت مطابق کلمه (جود)
 درین که پنجاه و سه سال از عمر مبارکش گذشته بود مطابق

با

۹۱۷۷-۳

خلی

(بناب) و (نبأ) (وَرُود) در مدینه طیبه دوشنبه و آنجا

ربیع الاول وقت زوال شمس (وفات) سادس

از هجرت در یوم پست هشتم شهر صفر مطابق (هَاد) (موت)

عمر مبارک (بیان) (آمام) نبوت بفارسی مطابق

(پاک) و تباری مطابق (اطیاب) (توقف) در

کوه عظمه (جود) بعد از هجرت اقامت در مدینه طیبه

اوج (غزوات) آنحضرت مطابق (نک) و عطا

غزو ایکه خود بنفس نفیس تشریف حضور داشتند (جاهل) در

در غیاب آنحضرت که آنرا سر بر کوفت نبی است سردار

(تاریخ زمان حضرت امیرالمؤمنین علی بن) (هجرت)

ایطالاب علیه السلام (علی) بمکه و (ولایت دین)

(ولادت) سنه عینین ببلخ از تاریخ اسکندریه

مطابق

۹۱۷۷-۳

نظری

مطابق سال پست هشتم عام الفیل و بقول اصح سی

سال از عام الفیل گذشته ده سال شش روز کم

قبل از بعثت رسول خدا صلی الله علیه و اله دهم

در زمان هجرت من الوشیرد ان

محل ولادت خانه کعبه چنانکه گفته

طواف خانه کعبه از آن شد بر همه واجب

که آنجا زاد از مادر علی بن ابی

(دیگری گفته)

در مرتبه علی نه چونت ذه چند در خانه کعبه از اقبال بلند

پنفرزندی که خانه زادی دارد شک نیست که کعبه بجای

(تاریخ خلافت صوری) در سر و بیج

بمکه (جیب اهد) بعد از هجرت

تاریخ

انعامه و آنحضرت معقل انعامه یکی از ائمه و بقیه نفعیون لبه
کشود و کثرت (انت ما بیننا کثرون لنا) آنحضرت نور ادراب
فرمودند (انا ان لم اکن تکوننا لالا)

تاریخ شهادت امیر مومنان
علیه صلوات الله الملك الهان شب پست و یکم
رمضان در کوفه (در میان اوقات عمر در کار
حضرت مولی الموالی امیر المؤمنین علی بن ابیطالب ^{علیه السلام}
نحو اجمال (قطعه)

مجموعی تو روزگار عمر عیوشی
تاریخ شهادت زهادت و
آن شیر خدا ایستاده محمد
عمر رنجی و سال خلافت ایستاده
(تاریخ حبوس مرغوس جناب ولایات
امیر المؤمنین و خاتم النبیین صلوات الله و سلامه

و زهد داده

شاهزاده

شاهزاده عوالم الهان ولی حق آن جاشین حشم رسول شاه پندپیر
بنود چون حبوس چون کهنه در آن تاریخ سلطنت زنجبیت
(حاصل) مستقلات خاصه آنحضرت که از سینه غنایم غزوات
بمعرض سع در آورده بود و محض صدقات وقف فرموده که
پیوسته اوقات بذل فقر اواران ایام و مساکین ^{در چهار مرتبه}
بهشتاد هزار دینار زر سرخ

صدایقه طاهر حضرت سیده انسا فاطمه ^{علیها السلام}
(ولادت) در کوفه مغرب طرف صبح جمعه سیم شهر جمادی
الثانیه سال (۴۰) از هجرت نبوی و سال (باب) از نعت
باب بزرگوار در زمان یزدجرد شهریار (تاریخ وفات
رجح) شب سیم رمضان و بقول اصح ستم جمادی الثانیه
(متر و کات) آنحضرت که بعد از وفات ^{حسرت}

با ولاد

۹۱۷۷-۳

خطی

بود لادیسین و طهرات او انتقال یافته بود حدائق
 و آنسه شایانی در ارضی مدینه طیبه و تساه فذک که از آن
 رحمت سرور کانیات تبصرون کما شتکان آنحضرت بود آن
 قرائت مشتمل بود بر سبیت و چهار پاره ده و منافع آن دل بود با
 هزار دینار رسیخ

در بارگاه

اجالات احوال امام ممتحن حضرت حسن مجتبی
 صلوات الله و سلامه علیه (تاریخ ولادت) شهر شعبان
 سال دوم از هجرت چهل و چهار روز قبل از جنگ بدر در زمان
 یزدجرد ششم پادشاه در مدینه طیبه (تاریخ خلافت) (دولت)
 تاریخ شهادت (جزیل) سبت بیستم شهر صفر (تقدت)
 امانت (نقاد) و بروایتی (سج) عمر مبارک آنجید
 در میان اوقات عمر و روزگار رسید ممتحن حضرت امام

حسن

حسن مجتبی صلوات الله و سلامه علیه بخواند
 خواهی چه زور کار داشته من مسموم حسن منظر و اداری
 تاریخ خلافت چو حتی زردول تاریخ شهادت همی جو جزیل
 تاریخ اوقات و زمان حضرت سید الشهدا
 ابو عبد الله حسن صلوات الله و سلامه علیه

ولادت) یتیم شعبان المعظم چهارم سال هجرت
 در زمان یزدجرد تاریخ (امامت) مطابق با و
 تاریخ (شهادت) جمعه دهم محرم در کربلا در سنه (تقدت)
 (واحد طالب) عمر مبارک آنحضرت
 (بصید) در میان ایام و اوقات عمر آنحضرت
 چو خواهی روزگار شاه دین گین بجو اول تو ایام امامت را خود از
 ولادت یتیم شعبان سال چهارم هجرت بجو عمر از محمد دم شهادت و احوال

حسن

۵-۹۱۷۷

خطی

تاریخ اوقات و ایام حضرت سید سجاد علی بن محمد

صلوات الله وسلامه عليه تاریخ ولادت سنه
(انزال) یا (والا) در زمان خدث جدش امیرالمؤمنین علی
علیه السلام امدت عمر مبارکش (حبیب الله) تاریخ
رحلت مطابق با (سنید طیب)

در بیان اوقات عمر حضرت منظره ناجوا

زمن نجواه تو احوال عمر سید
امام چارم شمس مضمی و مضمی
یک سال ولادت مطابق با
زکی طیب عمر و وفات سید طیب

تاریخ اوقات حضرت امام محمد باقر علیه السلام

تاریخ ولادت (انگلی دود) تاریخ رحلت
سنه اعدال ایام مبارک مجید مدت امدت
در بیان عمر حضرت امام محمد باقر منظره ناجوا

زن

که ایام مبارک باقر علیه السلام

9177-3

خلی

زمن چوپرسی ایام مبارک باقر
امام چیم سلطان بن شهاب
بجو ولادت آن آیت خدای
بگیر رحلت نشانه عادل اعدال

تاریخ اوقات حضرت ایت الله العظمی امام جعفر

صادق علیه السلام تاریخ ولادت ید الله
عمر مبارک بقولی (دیان) و بقولی (ساجد) مدت امدت
(هادی احد) تاریخ رحلت در سنه (اعلم ابه) یا (محق)

در بیان روزگار عمر مبارک امام مقررص لطاعه

حضرت صادق منظره ناجوا
مدت ایام عمر جعفر صادق
سال میلاد از ید الله عز و جل
جوی سال حدیث از نادوی حق و دود

تاریخ ارتحال امام جعفر صادق علیه السلام

که و اهب حقا و نیز تجت
بوی ابر

سبوی روضه رضوان چو بفرین محمد
ردانه گشت و پاسود ارغوان

دیکوش تاریخ اینصیت عظیمی
که آه آه امام دود و دود اجود باد

در بیان تواریخ اوقات زندگانی تاریخ شهادت

حضرت باب امیراموسی بن جعفر صلوات الله و سلامه علیه

تاریخ ولادت (حق) و (انزال الأزال) که سبب یک حدیث

تاریخیت مدت امامت (وحید) عمر مبارک تقوی

(احمد) و تقوی دیگر (باب الحوائج) و تقوی (حزن)

تاریخ شهادت حضرت امام موسی کاظم منظر

امام هشتم موسی بن جعفر آتش کونین که بدینا دینی و تاریخ عظمی

ز ظلم نارون گشت او شهید تاریخ
همی چو خوابی جوی از وی

تواریخ اوقات زندگانی و شهادت حضرت

ثامن آئینه علی بن موسی الرضا

تاریخ ولادت (علی و الا) و تقوی (علی مجد) مدت امامت

(طیب) مدت عمر مبارک هم (امید) و هم (دائم)

تاریخ شهادت حضرت امام رضا منظر

امام مفضل لطیفه شاه کشور ایمان رضا که بود عیان از ریس خورشید

شهید شد چه زهر جفا ز کینه مانون شدش تاریخ امام طیب اجود

تواریخ اوقات زندگانی و شهادت حضرت امام

جواد محمد بن علی تقی علیه السلام

تاریخ تولد (صادق) مدت امامت (زاهد) ایم

عمر مبارک (حق) ابی

تاریخ خلافت حضرت امام محمد تقی منظر که پسر او

محمد تقی ان آیت بزرگ خدای که بود در حسن و جنت مصدق

چه شد خلیفه پس رضاشدش تاریخ ولی طیب دی جواد امام

۹۱۷۷-۳

خطی

تاریخ شهادت آنحضرت (نظر)

جواد امام هشم است ^{که} وضع دین زایش کردش اباد
چو شد شهید تاریخ همه که ^{که} آه امام جواد و محمد باد

تواریخ ایام عمر و شهادت حضرت امام علی ^{رضی الله عنه}

دسلامه علیه تاریخ ولادت (نفی الطیب) تاریخ است
علی ^{رضی الله عنه} و هم ^{رضی الله عنه} ایام مبارک (جمیع دود) است
امت (نادى و اصب)

تاریخ تولد حضرت امام علی ^{رضی الله عنه}

زاد از نام علی بن محمد شرف ^{کسر نفی بدلت و والد الا}
سال میلاد محبت دیش ز فرد ^{بود تاریخ هابون وی ایام}

تاریخ شهادت و ارتحال حضرت امام علی ^{رضی الله عنه}

عیه اسلام منظو تا

نوشید چه از ظلم عدو جام شهادت ^{فرزند نفی دی دین حجت سر}

رو سویی خان کرد و چه تاریخ دیگر ^{میجت فرگشت علی بن محمد}

تواریخ اوقات عمر و ولادت امام ^{رضی الله عنه}

النفی حضرت امام حسن علیه الصلوة و السلام

تاریخ ولادت (امام علیم) محل ولادت مدینه طیبه ^{در}

الواثق بابتها عباسی سنه وفات (صدی طیب حسن بن علی)

و همچنین (مَرک) و (نیر) در زمان خلافت ^{المقتصد}

تاریخ ولادت (جمیع)

بسادت آنحضرت نظر

اتفاق شد بهشت نمیلد عسری ^{آن قبله خلائق دان منسج کرم}

سال ولادتش چو در جنب از پدر ^{کشا کبو حن بود نادى}

(ایضاً تاریخ شهادت آنحضرت بزر و کیر)

۹۱۷۷-۳

خطی

شکست چو از سر مقصد شریف
حن امامت کی رازده علی علی

دیکشت چو تاریخ جلالش نوی
بگیر ما دی طیب حن امام بی

تو تاریخ اوقات عمر و غیبت حضرت خلیفه الرحمن

امام خاتم محمد مکه مدنی علیه صلوٰة الله المنان

تاریخ ولادت با سعادت لیلہ برات یعنی شب نیمه ماه شعبان

در سنه (۲۰۶) و بقولی در سنه (۲۰۰) چهل و یکروز از حلا

المعتمد علی الله عباسی گذشتہ که نام معتمد احمد بن جعفر و لقب بابش

المعتمد علی الله و ایام خلافت سیست و سه سال و شش روز بوده

وفات او در سنه دو سیست و شصت و نه تاریخ غیبت

صغری آنحضرت در یوم جمعہ دهم شهر شوال مطابق سنه (۲۰۱) برین

و بقولی در سنه (عجبت باری) و بقولی در سنه (قام العجبت)

سن مبارک آنحضرت در زمان غیبت صغری شش ساله یا

مبعث

هفت ساله یا نه ساله بود بچند ماه و چند روز اختلاف است

طول غیبت صغری مطابق دینان یا بگلان یا ساجد بوده

(تاریخ عنایت کبری)

محمد و شاه الطیاب و بروایتی مطابق (شاه جاوید) یا

پیک حرمین بوده و سن مبارک آنحضرت در آن زمان مطابق

تاریخ اوقات

حضرت خلیفه الرحمن منطوقاً بنحو اجمال مطابق روای

نور میلا و در مجرای پدید آید و در سن (۲۰۱) غیبت صغری نمود و در سن (۲۰۲) در

شاه جاوید ابتدا ای غیبت کبری است کان زمان سن شریفش بود بجا آن

ایضا تاریخ اوقات و حالات حضرت صاحب الزمان

مطابق روایت ما ولادت منعم دایم یکروز و دو عمر او بی از قائم آل محمد غیبت صغری

پس

۹۱۷۷

خلی

پس سمر مبارک چون مطابق کتب ^{۳۲۶} پیکر از شاه طیار استادی غیبی
(و له ایضاً تاریخ غیبت کبری منظوماً)

چونکه اردو خداری نین از حقی فالی ^{۳۲۷} بهر دوی بود واجب آنی ^{۳۲۸}

از آنرو از آنکه زمان غیبت کبری ^{۳۲۹} زحق تاریخ قائم اجواد ^{۳۳۰}

وله ایضاً در تاریخ غیبت کبری مطابق با روایت اول

شد چون حضرت قائم مطابق ^{۳۳۱} کشت از حکم خدای بر تو ^{۳۳۲}

تا که کی طلع شود تاریخ ^{۳۳۳} قائم آل محمد ^{۳۳۴} و بجای از ^{۳۳۵}

وله ایضاً در تاریخ غیبت کبری مطابق با روایت ثانیه

کرد صاحب پو غیبت کبری ^{۳۳۶} تا کند پاک خلق را از ^{۳۳۷}

بود تاریخ او چهرت ^{۳۳۸} و پدر ^{۳۳۹} مهدی بن حسن ^{۳۴۰} امام ^{۳۴۱}

تاریخ ایام خلافت خلفای ثلاث و وقت

و انقراض ایشان

ابو بکر بن ابی قحافه نام او عبدالله بن عثمان تاریخ جلوس

سال یا زدهم از هجرت تاریخ فوت سال سیزدهم هجرت

خلافت دو سال و سه ماه و پست روز ^{۳۴۲} عمر ^{۳۴۳} جلوس

سال سیزدهم قتل سال سبت و سوم مطابق چهارشنبه سبت

ذی حجه مدت خلافت ده سال و شش ماه مدت عمر ^{۳۴۴}

شصت و سه سال (عثمان بن عفان) تاریخ

جلوس که از او شصت و نه ساله بود در یوم دوشنبه ششم محرم

در سنه سبت و چهارم هجرت تاریخ قتل او جمعه سبت و دوم

ذی الحجه در سنه سی و پنج هجرت تاریخ سلطنت یا زده و یازده

ماه دوازده روز ^{۳۴۵} اسامی سلاطین بنی امیه ^{۳۴۶}

بنی امیه ده و چهارین رسیدن ^{۳۴۷} پان کتم یکی سبت نام ^{۳۴۸} حله ایشان

معاویه و وزیرش ^{۳۴۹} سه و دو و لید ^{۳۵۰} عمر ^{۳۵۱} و عبد الملک ^{۳۵۲} و شام ^{۳۵۳}

۳-۹۱۷۷

زمان شاهشیران آمد است محمد و نون^{۱۶} بقول صحنی و قولی دیگر مطابق نامان^{۱۷}

اجمال سلطنت ساسان بنی امیه

(معا وید بن آکله الاکباد^{۱۸}) که نام پدرش صخر بن حرب بن

امیه بن عبدالمطلب بن عبدمناف بوده (جوس نامبارک شهر

ربیع الاخر سنه چهل و یک که (الله) و (والد) و (بنی بیک) این سه

هریک جدا جدا تاریخیت که آن در پنجاه و شبت ساله و عمرش

محمد و زینا) بوده فوت او مطابق اردون او مدت سلطنت

(الحی ادب) تاریخ سقوط شدن معاویه علیه السلام منظره

سوی جسم زشت مناقع معاویه آن کافر که بود جهنم نرانی

تاریخ مرگ او چو ز جنت از دپر کفاکو به بادیه آباد جای او

(نزد بن معاویه علیه السلام و العز و العبد)

جوس نامبارک شهر جرب الاقص در سنه شصت که در

د

۳- ۹۱۷۷

خط

و (کفر) هر یک جدا تاریخیت (تاریخ هلاکت مهم

صفر سنه شصت و سه قدرت عمر اوسی و هفت سال و هفت ماه

و پنج روز که (میل) و (لهب) هر یک جدا گانه مطابق سال

عمر آن ولد الزناست

(تاریخ هلاکت سید بن معاویه علیه السلام)

گشت ناق بی تقاضا شمی شاه دین انیزه شوم پند

مرکب زود و او دش تاریخ که (از اداب و بد آ

(معا وید بن یزید) جوس نهم صفر سنه شصت چهار

مطابق (جانی) مدت سلطنت چهار روز

مروان بن الحکم (جوس ششم جمادی الاول

سنه شصت و چهار مطابق (جانی) هلاکت آن و اول

منظره اول سنه شصت و پنج مطابق (دلال) مدت سلطنت

(د)

۹۱۷۷

(دلی) ^{۶۴} ملک آن خوشناس دنیا پرست اوایل نشسته
بزرگ ^{۶۵} مطبق (دنیا) ملک قتل او بت زن دی که قبل از وی زوجه
بزرگ ^{۶۶} می بوده تا تاریخ هلاک او منطوقا
چیز که دلش زوجه مردان را بود بس نیک و نیک بود بجا
سنة قتل وی چوبت دسپه بود تاریخ او (هلاک حجاب)
تت سلطنت چهارده ماه

(عبد الملک بن مروان)

جلوس نشسته و پنج تاریخ جلوس آن دنیا پرست مردمش
(دس) (دنیای) که هر یک جد الحانه تاریخ است وفات آن
شاه بن خمر پدین شسته و پنج مطبق (مدام) مدت سلطنت
سپت سال ششماه (ولید بن عبد الملک) جلوس سنة
هشتاد و پنج مطبق (کلمین) رحلت پانزدهم جمادی الاخر

سنة زودوشش که (کوزم) (هلوک) هر یک جدا جدا نخت
محل رحلت دیر مردان ایام عرش چو شش سال مطابق (اول)
(سلیمان بن عبد الملک)

جلوس پانزدهم جمادی الاخر سنة زودوشش مطابق (دوید)
وفات آدینه دهم صفر سنة زودوشش ۲۲ مکة بتابع جشن
(حیف) و بتابع قتل کشته (جلفم) مدت سلطنت یکسال و نه ماه
وده روز (عمر بن عبد العزیز) جلوس روز آدینه
دوم صفر سنة زودوشش مطابق (حلال لکده با داد) وفات سنة
یکصد و یک مطابق (نامی) (و امین) که هر یک جدا جدا نخت
مدت خلافت سیاه ایام عمر سی و نه سال

یزید بن عبد الملک

که نهی خلفاء بنی امیه است جلوس سنة یکصد و یک مطابق

که تاریخ وفات او اولین جلوس و هر یک جدا جدا نخت (حیف) بری کشته جلفم

(۳۰)

وفات خشنه بیت پنجم شبان سنه کعبه پنج مطبق
الکن (نهلمی) مدت سلطنت چهار سال و یک ماه

(هشام بن عبد الملک)

جوس ششمه شبان سنه کعبه پنج مطبق (الذناک) وفات پرت
اول کعبه دست پنج که (باد بن امیر) و (بدایه امیر)
هر یک هجده تا نخت ایام سلطنت فزده سال هشام مدینه
دچار سال هجده و (الکذ)

(ولید بن یزید بن عبد الملک)

جوس درنه کعبه دست پنج مطبق (غناد) تاریخ فتح اواز
سلطنت دو سال شدن او بختیم درنه کعبه دست و شش
مطابق (وصل) سبب قتل خلع دی از کثرت حرص مدام
شرب مدام (یزید بن ولید)

۲۱
شرب
مدام

(۳۱)

جوس درنه صد بیت و شش مطابق (دینادان) در ذریع
قتل ابن عم اولید بن یزید وفات او سپیدیم هجری الاخره سنه صد و پست
و شش همان سال مطابق همان (دینادان) ایام سلطنت او پنجاه و نیم
الی شاه (ابراهیم بن ولید) جوس سنه کعبه دست
و شش مطابق (کودک کعبه) وفات نیز در همان سال مدت سلطنت
هشاد در (مروان بن محمد بن مروان محکم)

معروف بمردان حار و مردان حبیبی جوس درنه کعبه دست و شش
جوس کرد چو مروان که به چهار لقب ^{منظوما} که کند آخر ابوسم از جهان پیش
تو مرزان که بخوابی جوس کن در ۱ ز (دیوبادوه ملک) جوی بخار
تاریخ قتل و انقض سلطنت مروان حار

در سنه کعبه دی و سه بدست ابوسم مرزی که درین مکره و تاخت و تازاری
یعنی بل ازین سبب که دیده اششیم و غناش از کف رفته بود و در میان لشکر عبوده

که امجد ادرابی را کب دینه قرار بر سر اختیار نموده لشکریان او بسام لورا

از ملک بن جد اودست ادراسلطنت کرناه نمونده

تاریخ منظومه در قتل مروان حمار طوطی

پیاده شد ز پی بول سب و کجخت میان لشکر و کوش کمان قتل سپاه

نهاد و بخت سپاهش و تاریخ ^{۱۳۴} بباد داد پی آب کک آبا آه

تاریخ منظومه در قتل مروان حمار و اقرض سلطنتی امیه که بداد

بد جان چاره شاه امیه نثر ^{بنی امیه بخت} که بد سرشان رخ من و در آب

گشت ز مروان چو سلطنت نرس ^{کوتنا بختان خرا و یک عجم}

تمام ایشان در ایام خلافت بخلاف منکلات ^(مخفی نما نه) بوند که عمر بن عبد ایزد خد سال که رسد امیر

علی علیه السلام را از میان عادی بن براندخت که خدای تعالی بدین سبب آنچه تا اسرار سلطنت

بنی امیه استناد مدت سلطنت ایشان در لامخ نظام خود به راه راه از زوره که مداول ^{شده است}

و چهار راه است و یک قدر متعلق با هر یک است بر از هزار سلطنت ان شمرده چنانچه در لامخ ^{شده است}

استناد
فایده کلام
۱۲

۳-۹۱۷۷

۱۱

ملک مساجی از پی تاریخ او نوشت بر کسب حسین علی زین جت ز^{۱۲۵}

دیگر ضحی نفره و ملا در نجف اشرف و تعمیر در ضمه مشهد رضوی و مسجد جامع

فرزین مقبره او در رداق مطهر حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام تاریخ وفات

او بر لوطه مرقدش از هلمات صبا حسین

نشانی ملک صبا از پی تاریخ کشت که محمد شاه شان دو عالم^{۱۲۱۱} شد

بیت عمرش پنجاه و هفت سال

تاریخ ولادت خاقان صاحبقران فتحعلی شاه^ع

چون سی جد خود فتحعلی خان پنجمت خوانده شد دوده بابا خان عزت^م

از پی تاریخ میلادش بر آن کشت زاده با از ناظم سلطنت^{۱۱۸۵}

تاریخ جلوس خاقان صاحبقران فتحعلی شاه قاجار

پنجمت فتحعلی شاه پنجم در شان تجت و تحت شوی راکه شت^ر

دیگر کشت تاریخ آن جلوس مبارک زهی مساعد و بجا جلوس^{۱۲۱۲} فتحعلی شاه

ن

تاریخ وفات شاهزاده محمد علی میرزا ابن خاقان صاحبقران

چو شاهزاده محمد علی بر پشت زد دنیا بگفتی از غم کس که او شاه^د دنیا

چرخ فحلی شاه بود و کان قوت بگو در پرتابش آه آه دنیا^{۱۳۳۷}

تاریخ آمدن قشون روس از بایجان و معصده^ر

از نقص عهد روسی آنج که از ره کین ناختی بکاک تبریز پدا شد^د دنیا

به چون خلافت نه صاف زین^م کوبید همی تاریخ^{۱۲۸۲} آمد ادب دنیا

(هم در اینمی بخو د یکم)

از عمارت روس عجب در آذربایجان بس فساد و سرخ و قشند^د دنیا

آن نفاق و آن خلاف عهد و پیمان^د از پی تاریخ بر کوره بد چنان^{۱۲۸۲}

صحنی عمارت در منازقه و جد الی که فیا بین قشون روس و ایران^د

زمان خاقان مغفور رضعی شاه مبرور عمیده الرحمه و لغززان اتفاق^د دنیا

فخ از طرف ایران پنجمت از طرف روس بوده ایکنه قشون^د دنیا

۳-۹۱۷۷

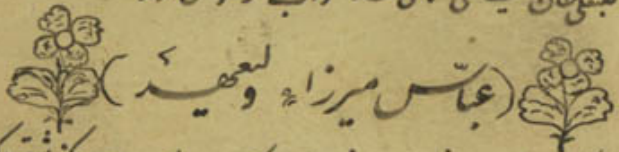
خلو

تصرف نمود علت از خواش و غم بود که جمعی بر همه اغراض فغانی خودشان
 با خیالات روسی حسرتی به آن سبب از ایشان دو تنخواهی داشتند
 ایشان را بر کرب اعمال و آرزوی خودشان سوار نمودند و بستاج اعمال بجز در راه
 از عهده دوسر در زمانی که هر دو با هم برادر و در مرآب شوکت فرست با
 یکدیگر بر اینی حسن خان صاری اصلان حسین خان قاجار تهنیتی کردند
 او ان ریاست کشوری لشکری حدود ایران بعهد آند برادر اختصاص داشت
 و در آن بلاد بسیار مسلط و بیسوط البید بودند چون در اموال دیوانی
 حرف و میل در کارهای دیگری حیانت نمودند از آن روز موافقت
 دوستی بسیار نائف و ترسان بودند و همواره ضعف دولت را
 خوانان اولاً در تاراجت که بعهد آندا بود عهد استی و کلان نموده
 و ثانیاً در باطن ایشان را تبرک تیز و سایر آسمان قوی می نمودند تا
 رفته ایشان را ^۳ ~~الغنی~~ ^۳ ~~است~~ ^۳ ~~نموده~~ ^۳ ~~داند~~ ^۳ ~~دور~~ ^۳ ~~تصرف~~ ^۳ ~~آنان~~ ^۳ ~~کند~~

مبوط
 در
 راکت
 ۱۲

ایر
 حالات
 بر
 ۱۲

نمودند و دیگری از فرین در خدمت حسن خان بن طبعی خان بخجراست
 بود که با عن جد ریاست حکومت بخجراست بایشان تعلق داشت و قتی از
 طبعی خان حیانتی ناشی شد نواب رضوان داد



بجو کردن چشمان او فرمان داد و با بیچمان حکومت راجعه او دادند آشت که
 او را رعایا اکثر تسلط در آن بر غلبت ترک کرد طاری یعنی خدای کورسینا
 و بعد از وفات طبعی خان منور امر ریاست بخجراست کمالان با حسن خان پسر

یادش و او را نیز باطن با اولیای دولت قاهره بواسطه که کردن پسرش
 بنص و نفاق در میان همیشه در صد و دیانتن موقع تانی بود تا در آن
 حیص و حص که موقع پیش آمد خود سوار شده بزد بقصیح ^{بهره} ^{بهره} ^{بهره}
 او را بتیغ تبریزی قوی دل و سپردن شهر را با دست خود کردید و او را آورد
 و همراهِ شهر تبریز رسانید و همه جا او را رسانید بود و در آن

حصص
 پسر
 بکند

بصرف
 بهر
 روس

۱۳-۹۱۷۷

خلا

میسنمود و دیگری از جمله منببین و طایفین آن عمل مسیره فتح مجید
 تریز بود که او نیز با غرض نفسانی در آن کار بسی حمایت و بهر پای نمود
 چه در حفظ مرتب شئونات او چنانچه دلخواه وی بود از جانب کارکنان
 دولت تویشکت علیه مراعات نماید و بواسطه او نیز پوسته در پنا^{جا} آنها
 فرضت بود و همیشه ضعف دولت را بواسطه تسلط و قدرت خود
 خواستگار تا منحرف آور بچنگ افشا در آنحال جماعتی از پروردان خود را
 سردار روس استقبال دیدن رحمت او را بشتر تریز دارد نموده و ادرار
 باطن همراه و مدد کار بود و علت دیگر از اجمال الله یا رخا^{که} صف الد
 که در آنوقت نایب الحکومه و جانیین نواب جناس میرزای پاپ^{بسیطه}
 که اوجم باطنا ضعف دولت را خوانان بود در آنوقت از کار تریز
 که بایشهر را نگه داری و ابواب را بر روی اعاقی خارج میسود
 نماید از راه قبلی قبلی متقابل گذراند و ابد او در هند و رخ و

انتها
 بقدر
 مکتوبه

۱۳-۹۱۷۷

بنا - در خیانت های آن خائنین در نزد عموم مردمان از طرفین آتش نمبضه نور رسیده
 از جمله بعد از صلح فیما بین دو لشکر یکی از شتر ایله و مستدعیات امیر طوروس
 آن بود که دولت علیه ایران از چیرا تم و خیانت و خذلان حسن خان صاد^ک
 در اوش حسن خان در گذرد و در آن بر تقصیر و خیانت ایشان خط سلطان کشید و
 شیآت اعمال ایشان را بنفود اغراض در گذراند و همچنین در حق ا^{صان}
 قبیح العمل از آن زمان بعد با پیش آن صل شرایط جان را عمل
 و دام لبر او را با عطاء و وظائف و مرسوم می داشتند و بعد از او پاس^{ان}
 کبسی خان و اسمیل خان همین طریق را می پیوندند که تاکنون اسمیل خان در
 حیات و از دولت روس و خلیفه خوار و او خود دولت روس را
 فی السابق خدمت کند و همچنین سبب کمال الله یا در حرکات تا بنهار خود
 و اولادش حسن خان سالار با بر دست خراسان ظاهر شد و در وقت صلح
 در آن دستگیرم اظهار رغبت



برای
 بر

دست

تاریخ اقراض دیپای شتری از اقراض ستان

آن فن از غلت شیوع ط خون در آن سه ریز سه سال

قبل از دنیا فتحشیا منصور ^{صلوات} الله علیه

غرمبه لفظ امانی شتره

غزیری سبب کان خزینه دود ^{ستانه}

زط خون گران ^{ز شتره} نوح دیپا

بدان سال تاریخ از آن ^{عده} سده

توضیح آنکه دیپای شتری تمام اقمشه و پشم بوده مختص بلاد شتر که تا

سه سال قبل از فوت شخصی شاه آن بافته در تمام روی گیتی اشتها را انتشار

داشته و اصل آن از نیشه قلب است که در صحاری و براری آنقدر میوه

و استخوان آن فن از رشته در لیسان آن دیبا میباشند تا در سنه ^{بست} هر دو

و چهل و هفت از عارضه مرض طاعون تمام کارگران آن عمل که قریب بیچاره ^{شبهت}

کارخانه دیبا باقی داشته و پشم امانی ^{بجای شتر} الشتر به آن مرض در گذشتند و آن

اجنه اینکه موجب لطافت و نظافت و آهسته ^{شده} زاید بود از میان ^{مردم}

دیو

دیگر باره که مردمان خواستند آنصفت را بر روی کار آردند هر چه سعی ^{کردند}

نمودند هر چه سعی نمودند بطافت و نظافت نخستین حیرت گردید تا اینکه ^{چنانچه}

دست از اقدام آن کار باز داشتند و آن صفت ممنوع گردید و چون

امانی شتره او از نای صعب هیب را غرمبه کونید و در آنسال آوازه

طاعون از آن بد برخاسته بود بدان سبب نام آنسال را غرمبه نهادند

و لفظ غرمبه نام آنسال و ماده تاریخ نوح دیپا گردید

تاریخ قتل یوسفخان کرجی امیر توپخانه در فرسخ

قلعه امیر اباد خوشان در خراسان هنگام یورش بدون تعلیه

با حضور حضرت کردون فوت بجای میرزا اولیهدر ^{معه} خوران

امیر قندهر توپچی نه یوسفخان زکف نزرخم غول ^{بزرگ} بر سرش ^{شد}

بر در فرسخ خوشان که آتش تاریخ عمید ایمان یوسف ^{۱۲۳۷} ^{سده} ^{زندان}

مخفی غمانا که قتل یوسفخان را ^{۱۱} عطا ^{دولت} سلطه در سال ^{۱۲۳۷} ^{زندان}

۲۲

۱۳-۹۱۷۷

خط

دو بیت و چهل و هشت ضبط و یکسال ضبط کرده چه او در شرح قصه ^{میرزا}

که بقعه پوشش برده با تابع خود در بالای باره از ضرب غولر ^س

شتر متقول گردید و اتباع او بهمان حال داخل قلعه شده انبار اکتوت نمودند و پنج

انوقه و اسل را چنین سرد داده اند

خردگشا امیر آباد فتح ^{۱۲۳۷} الباب تو چان شد

و این قضیه در سنه ۱۲۳۷ بوده بنا بر این محقق است که عثمانی ^{سلطنت} بنویسد

تاریخ رحلت خدیو رضوان محمد عباس ^{میرزا} و ^{بعهد}

طاب ثراه که تولدش در سنه هزار و دو و بیست و سه بوده

در خراسان چو دیو عهد جهانجوی سترک آن ^{میرزا} این تاریخ آن خسته و گرد ^{کر}

از جهان رفت و پسر پی تاریخ سرود ^{۱۲۳۶} و ش ^{میرزا} دلی جان از بعهد عباس

تاریخ ارتحال خاقان مغفور فتحعلی شاه

مرد طاب ثراه

خرد صا جعفران شهبه صفایان کرد بیعت چو برین سهر ای محن رود

کلک و پسرش رقم نمود تاریخ ^{۱۲۵۰} فتحعلی شاه کرد جای بمینو

ولادت خرد صا جعفران چنانچه که شت در سنه هزار و صد و شصت و شش

و پنج ارتحال خیشنه نوزدهم جمادی الاخری در عمارت بهفت دست

صفهان مدت عمر شصت و شش سال ایام سلطنت سی و هشت سال

و پنجاه سلطنت او موافق شرع با اجازه و نیابت شیخ جعفر کبیر عرب ^{مجتهد}

خیرات و مبرات او پشمار رو نیکه در صفهان از دار دنیا بر جوان

خرامید در کربلای معلی علیهین مکان حاجی حاجی کنی رازی او را در تحت قبور ^{نمود}

حضرت سید الشهدا مشاهده نموده که از راه کرمیت در دور نماز ^{میرزا} که

مشغول زیارت و طواف بوده چنانچه در کتاب دار السلام از ^{تصنیف}

شیخ محمود عراقی شرح آن مضمون است و اخیر صحت این امر ^{توسط}

مردی از حاجی حاجی ^{میرزا} مستفاد نمود مولانا حاج مغفول که بر صحت آن

۹۱۷۷

خا

نقد بنی ستمود (آثار خیرات و مبررات

بقیات الصالحات آن پادشاه دین پرور ^{تبعیب} ایوان و آستانه
 مبارک حضرت سید الشهدا روحی دارو اح العالین له العذاکه اقا محمدخان
 عیش بنا نموده با تمام رسید بود بنیچه هزار تومان مخارج و اتمام صنایع
 در محرم محترم آنحضرت با پست هزار تومان و بنای قبه و بارگاه حضرت عباس
 بچهل هزار تومان پنج صد و فذیل طلا که بوزن چهارده تن تبرینت برای محرم
 محترم حضرت امام رضا علیه الاف التحیه و اشنا و اهدا و در ضریح ^{نیک} تقریر
 بمبلغ ده هزار تومان یکی برای محرم محترم حضرت عبدالعظیم حسنی در ری و دیگری
 برای محرم امامزاده سید میر احمد بن امام موسی کاظم علیه السلام در شیراز و بنای
 قبه حضرت معصومه فاطمه بنت موسی علیها سلام و در ب بنیای روضه تبرکه
 آنحضرت در قم و اتمام مدرسه دار الشفا و تعمیر بند رودخانه قم که مخارج ^{بکصد} عمده
 هزار تومان رسید و بنای صحن جدید و غضب روضه منوره بچهل مائه هزار تومان

۱۳-۹۱۷۷

خ

برای محرم محترم آنحضرت دبنای عمارت مسجد شاه در طهران و عمارت مسجد شاه
 سمنان و زراعت کرمانه آتشاه و بیجا ادا سی سهندار تومان قرض مینوا
 عبدالوهابخان محمدالدوله و بذل شش هزار تومان در یک مجلس عمیر را ^{فصلان}
 صبا ملک اشرا و صله شش قصیده فریده در هر یک کتایش خردی و نیز خانان
 صاحبقران را سوسی بنات مکررات بنیچه دهنه اولاد ذکر و در وجود آمد

تاریخ جلوس محمد شاه ثانی روح الله روحه که

ظلمات ظهور الحق) بر تاریخیت

پد رکه بود و لیحد در گذشت و عوض ^{۱۳۵۰} نیاکه بود پهنش و ولایت اوراد
 نیاجویش شد او شاه اندش تاریخ زرق محمد نایج شمی لبسه نهاد
 تاریخ ارتحال محمد شاه ثانی طاب ^{۱۳۵۰} شاه در قصر خدیجه استمیرا
 چون گذشت از سال شاهی محمد چارده روز در پشته ^{۱۳۵۰} کج در رود کوئی
 در گذشت در در قم تاریخ نوشته او پر طی محمد شاه را بنام داخل ^{۱۳۵۰} نقد



تاریخ میلاد سلطان صاحبقران ناصرالدین شاه
 در زمانی خوب سالی نیک و ایامی سعید زاده شد از نام با اقبال و عزت و مسمیت
 کشت در تاریخ میلاد هایش در پر پاک زیبا ناصرالدین زاد در سلطنت
 تاریخ جلوس خسرو صاحبقران ناصرالدین شاه قاجار علیه السلام
 چون محمد شاه را تخت شد بر تخت جای ناصرالدین شد نشست از تخت بر تخت
 زود تاریخ جلوس او در قتلک سپه شذوگاه نوشته نو ناصرالدین گمان
 تاریخ توجبه موکب بها یون ناصرالدین در سفر تین بمکب خراسان
 چو کرد موکب سوود شاه ناصرالدین غمیت سفر شرقی کج چو خور
 نگاشت ملک پرش پس ز درود تاریخ فرود زین جمال ملک ملک خراسان
 تاریخ معاودت سلطان صاحبقران ناصرالدین شاه از سفر عتبات عالیات
 نجف شرف و کربلای معتا
 موکب ناصرالدین شه چو شد با ز آمد از طواف عتبات سفینه نصیحت

تاریخ ناصرالدین شاه

۱۱۷۷-۱۱۸۰



زود تاریخ هایش رقم ملک سپه باز آمد شه آزاده بجایه ار غتبتا
 تاریخ مر حبت شاه صاحبقران ناصرالدین شاه نخستین سفر بلاد
 در سپ اولین چمن ناصرالدین شاه راد رشت و کشت از فرنگستان سلطنت
 از خرد چون حبت تاریخ هایش در پر کشت آمد از فرنگستان شب بگاه
 و له ایضا در تفسیر این معنی نحو تصریح
 چو کعبه ساز و دو صد بنو در هجرت در مه رخستین شهنشاه ایران
 ابوالمظفر بنقسه ناصرالدین شاه که اقباب ملوکست و سایه نردن
 بیچا به سفر کرد با شط و نغسه بیای تخت خود آید بعنبر شهبان
 تاریخ مسافرت ناصرالدین شاه در سفر ثانی بممالک فرزند
 چو حسن و نسیم از بعد لطف بامین بشد ز سال عرب که به عجب شاه
 سوی فرنگت ز ایران نمود بار سفر خدیو ناصرالدین شمع ملک نظر ام
 تاریخ توجبه سلطان صاحبقران ناصرالدین شاه در سفر ثانی بصوب خراسان

تاریخ ناصرالدین شاه

زری بوی خراسان چو کره عطف عثمان
بسی شرف زریارت کرد که کجاست

دو پرنده بر کباب در سفرش تاریخ
بداوزین خراسان ز نعل است ^{۱۳۰۰}

تاریخ معاودت موکب اقدس سلطان صاحبقران

ناصرالدین شاه در سفر سیم از ممالک فرنگ

بهر تخیل سیاحت بار سیم چو کنگه شاه
روث و برکت از فرنگستان پدید

زود تاریخ همیشش رقم ملک کسب
ناصرالدین شاه پین باز آمد از ملک ^{۱۳۰۷}

تاریخ قتل و ارتحال سلطان صاحبقران ناصرالدین شاه

عبیده الرقعه و انفران در روز هفتم ماه ذی القعدة که همان مرد

لهجات (روز هفتم ماه ذی القعدة) نیز تاریخیت ^{۱۳۱۳}

در مقام قرب حق در حضرت عبدالمعظم
رودر خنده شد شهید ان ^{۱۳۱۳}

بهر تاریخش بشوی ادن مان را با کعبه
پس کجاست ممالک ناصرالدین شاه ^{۱۳۱۳}



تاریخ جلوس مرغوس ابد مانوس اعلیحضرت قویلیت

(مرغوسالدین شاه) خدا الله ملکه و سلطان

کرد تخت شهنشاهی مغر شده جلوس ^{۱۳۱۳} یا بچارم چرخ جاهر جهان اراک

بهر تاریخ همیشش رقم ز خوش ^{۱۳۱۳} از کمال لطف و اهدای تبرک جاکر

(بسم در این معنی مزین بنام مبارک)

سلطان جهان مغرالدین شاه راد ^{۱۳۱۳} کاوست ملک بنده و در بان میر

بر تخت شاهی چو ماه ذی القعدة نشست آمد (جلسه مغر) اورا تاریخ

تاریخ مسافرت شاهنشاه حجاب مغرالدین شاه

ببفر خیریت اثر فرنگ در دم و معاودت بدار بخلاط طران

بتاریخ دویم شهر شعبان که تمام همسرع نای ایپات

این تصدیق میکند

تاریخ بخت

۱۳ - ۵۱۷۷

۱۳۱۵ قبا شاه پاک رای بهین

۱۳۱۸ هر تابان مغز شمس سوک

۱۳۱۵ کشف دهر اصل دین نروج شرح

۱۳۱۵ آنگه نموده خاک پیش را

۱۳۱۵ کم ز چاکر بی چو قصیه روش

۱۳۱۵ صیت دادش رجا چاکر

۱۳۱۵ پیش با جوج شمس کی چو حاش

۱۳۱۵ از عطا خوانی سندی نش

۱۳۱۵ عهد و خیا رود قبله

۱۳۱۵ کرده چو جمعی سخن و عهد

۱۳۱۵ صنم بس شد درین زمین شایع

۱۳۱۵ ویرانه هر چینه در زخمستان

۱۳۱۵ دلاوه داب چو مخلصه دین

۱۳۱۵ نخل حق داد در ادب این

۱۳۱۵ شاه عالم شکوه تاج و نمین

۱۳۱۵ خسته وان جای مس دی وین

۱۳۱۵ کچین مقبض حتر چین

۱۳۱۵ نظم اوزیب داده قطنین

۱۳۱۵ مدشوی لته کرد کت حصین

۱۳۱۵ یا سکندر بهت و یکنین

۱۳۱۵ بقدری خلق را پناه و معین

۱۳۱۵ ز نفوت بگوک و روی زمین

۱۳۱۵ عالیا شد جهان چو خلد برین

۱۳۱۵ شد بسیار خوب پاک و کزین

۱۳۱۷ رشت از این بی سیاست هزار

۱۳۱۵ شمره بلو چغت شد اد

۱۳۱۵ جمی اهل ادب بر بیت مسوق

۱۳۱۷ رشت زیران بر دس است دول

۱۳۱۵ تا بسند بسیر آن کشور

۱۳۱۷ مندی چه فضل و لقب بھبار

۱۳۱۵ رشت شرح دید و بار آمد

۱۳۱۵ این بزرگ افتاب عالماب

۱۳۱۵ ز وجودش عیان در زخمستان

۱۳۱۵ با کون حسودان آن ارکان

۱۳۱۵ بر کاش بزرگ صدر کریم

۱۳۱۵ موب اشرفش ز حد فرکان

۱۳۱۵ سوی نظری که نش بفرق قرین

۱۳۱۵ پر کجا شهر دگت از دزین

۱۳۱۵ همه در صنعت و علم ازین

۱۳۱۷ آن بهین شیر دل خدیو حسین

۱۳۱۵ حال بشنوده خود بسین یقین

۱۳۱۵ کش شد امسال از آن باریان

۱۳۱۵ شجرت چو شمشاد دیرین

۱۳۱۵ بودش مهربان حق حسین

۱۳۱۵ از نوادگانش بجز بسازین

۱۳۱۵ تاره فرمود عهد زقی دین

۱۳۱۵ آن مشا رحمن در کن رکن

۱۳۱۵ رشت بر روم و پس بیا بدین

۱۳-۵۱۷۷

کرد ارنجید در محمد ایاب ^{۱۳۱۸}

بازرگ کوزیس سرور که شکر ^{۱۳۱۸}

فخر دوران علیک عین الله ^{۱۳۱۸}

تاجپایان توستود شاه ^{۱۳۱۸}

خرم ایام شاه عادل ^{۱۳۱۸}

دوستان زنا را بنس حرب ^{۱۳۱۸}

هر مصارع کوی از این پات ^{۱۳۱۸}

دگر این شیوه کم بخت نیست ^{۱۳۱۸}

آمد آیات شان و دولت دین ^{۱۳۱۸}

باز آمد رجاء حافظ دین ^{۱۳۱۸}

بردم از دانه خود تخمین ^{۱۳۱۸}

کامران قدرت و دولت ^{۱۳۱۸}

تا بود دوران شهر و سنین ^{۱۳۱۸}

دشمنان جیس رخ و این ^{۱۳۱۸}

میکند وقت آنرا نصین ^{۱۳۱۸}

صفت این و همه کلام ^{۱۳۱۸}

تاریخ مسافرت سلطان السلاطین مظفر الدین شاه در سفرنامه

به دهنه کن تاریخ سپت و بیستم شهری حجت

شاه ایران مظفر الدین شاه شد چو سوی فرنگ بار کرد

زد دپرش رقم بی تاریخ شد چو سوی فرنگ کرد ^{۱۳۱۶}

و خوب تاریخ

تاریخ مسافرت

تاریخ معاودت سلطان السلاطین مظفر الدین شاه

فد الله مکه و سطرانه از سفر خیریت از فرنگ کمرشانی شکر شبنام

شاه مظفر شکرسته باز داشت و کام زین سفر گشت بهشت بهشت ^{۱۳۱۸}

میرد و از وجه با بر کس تا بخش سپهر شده باز آمد رعایا شده با بران ^{۱۳۱۸}

و حبسیره ثانیه در ارجحال علماء اعلام و فقهاء عظام ^{۱۳۱۸}

علیهم همین بترتیب تقدم رحمت متقدمین برت باخرین

تاریخ ارجحال علیتین مکان محمد بن ابوبکر القمی المدعو بصدق

قدس سره المنزیه در رس

شیخ الاسلام محمد بن علی آن کا و خود گفته آمدین بود و صدق

چون سن مبارکش به شاد رسید در سال (فراق) ^{۱۳۸۱} شد نزد محقق

کتاب اربعه از تصنیفات محمد شاه اتفاقا علماء امامیه است من

لا یخیره الفقیه از تصانیف محمد بن علی بن ابوبکر قمی است اصول کافی

۱۳ - ۵۱۷۷

از محمد بن یعقوب کلینی است تهذیب و استبصار از محمد بن جعفر طوسی

تاریخ و لا کتاب سعادت خواجه نصیر الدین طینی جوچی

در قریه طوس نوزدهم در مقام دانات امام حسن رازی نوشته

چو در سنج با فرد سعادت ز ادار ناد نصیر الدین محمدان حکیم اعلم دانی

رقم کلک دپرا فرزند تاریخ میلادش نصیر الدین او صدزده ازاده کا

تاریخ ارتحال خواجه نصیر ضوان علیه در سن دوپنجاه

نصیر الدین محمد انکه طینی جوچی الولد ز دنیا رفت در نوبه او دو پنجاه

چو بود اذنا شرع مبین در شان از آن تاریخ سال هفتاد و شش

تاریخ ارتحال فردوسن جایگاه شیخ بهالی قدس سره

رفت آند ز دسه در فضلا از خراسان سوی بهشت برین

کرد تاریخ او دسپه رقم شیخ زنده بهانی او حدیث

تاریخ ارتحال خود ملا محمد باقر مجلسی رضوان علیه

۱۳-۵۱۷۷

مجلسی یعنی محمد باقر بن مجلسی آن محدث کاش از بکر قرنی است

کرد در عنت جوسن گفت تاریخش دپرا مجلسی ابی بود مجلس نفوس

تاریخ ارتحال علی بن مکان میرزا ابوالقاسم بن میرزا حسن

مردن بمبیه زای قلم

بو القاسم آن مین ام پشوی دین اندر خان چو بهر آن تکلند جل

ز دپا کدین دپرت تاریخ اور قسم جناب مکان علم قم میرزا علی

ترصبره نام والد ماجد سیر زای قمی اعلی الله مقامه میرزا حسن

کیلانی والده ماجده آن بزرگوار صبیحه ضریه میرزا اهد استیخ

جایقی بر دسب دی رحمه الله علیه محل اقامت آن بزرگوار بعد از غفلت

ارتخیل علوم اول مرتبه در باغ جابلق پس قریه قلعه بابو در آنجا بهر

وزارتجا پنجبات عدن آیند دشمر از ظلمات میرزا فاضل خان

صبا کلث اشرف در ششمین شاهنامه در ستایش آن بزرگوار

مرا

۹۱۷۷

توضیح آنکه میرزای قمی را محمد سخاوتی خوانند و در کتاب معجم ناصری در سنه ۱۲۱۳ سال دوم سلطنت خاقان مغفور ضبط نمود
درضا قلیخان بدایت در سال اول و بعد در راه خط و خطا رفته اند
این حکم اغذیه
کوشی است که از آن
طعام درین زمان
و بجز بسترش
خارج نماید
و بجز بسترش
پروان کند کرده
حرام چون طین
و جوانان خراج
نفسه بجز
از رعایا است

(۱۰۰)

سندج است محض بزرگ و زمین در انقیام بزرگداشت و آن انیت (اشرف)

یکی پس بر خری پر بک و بوی دلی رنگ و بوی دو عالم که دو

دو کوشش بجزاری کند ای از آن سبزه از کشت بر اثر خفا

توضیح آنکه ارتحال میرزای قمی را محمد سخاوتی خوانند و در کتاب معجم ناصری در سنه ۱۲۱۳ سال دوم سلطنت خاقان مغفور ضبط نمود

درضا قلیخان بدایت در سال اول و بعد در راه خط و خطا رفته اند

این حکم اغذیه کوشی است که از آن طعام درین زمان و بجز بسترش خارج نماید و بجز بسترش پروان کند کرده حرام چون طین و جوانان خراج

نکته و آنست که در حقیقت این

حقیقت است و از متاخرین تحقیق نگارنده اول کسی است که بر حقیقت این

نکته و آنست که در حقیقت این

حقیقت است و از متاخرین تحقیق نگارنده اول کسی است که بر حقیقت این

نکته و آنست که در حقیقت این

حقیقت است و از متاخرین تحقیق نگارنده اول کسی است که بر حقیقت این

نکته و آنست که در حقیقت این

(۱۱۱)

پوسته در نفس بودم و حقیقت آن از جانی مکتوف نمیکردید

تا وقتی در تحت کتب بر وزن خطب بکتاب برهان قاطع رجوع کرد

در آنجا بعد از درک مقصود مرقوم بود که کتب بضم اول و سکون ثانی نام قدیم

ششم است (نکته) و نام اصلی خرزبه کتب بوده این نام نویسی او است

که در ثانی بان اطلاق شده از خرزبه و خرزوزه نامیده اند و اکنون

از کثرت استعمال خرزبه نامند و تاکنون هم حسره بره را در بعضی از شهرهای

قدیم خرزوزه نامند چنانچه شهرهای صفه نامی گوید

اسب را اودم و حسره بوزه که شرم خورم حایا نوبت فشار و کلابتین است

و از ناخوانی که تفسیر و تبدیل یافته بسیار است از جمله حسرت که آن

در از کوش و در و سبت که اسم اصلی او سیاه کوش بوده چون روی آن

در صبح دیدن میمون یا شنه اندر و با شس خوانده اند و نام دیگری که نام اصلی

آن آبی است از کثرت خوبی آن را به نامیده اند چنانچه منوچهری گوید

آبی

است

توضیح آنکه میرزای قمی را محمد سخاوتی خوانند و در کتاب معجم ناصری در سنه ۱۲۱۳ سال دوم سلطنت خاقان مغفور ضبط نمود

آبی چو یکی جو ملک از غایب
 چون جو ملک از غایب
 تاریخ وفات شیخ احمد لکھنوی مقارن آن من قشون برکن
 رت شیخ ادع احمد آن همین دین پناه
 آن همین خلق و آن مخلوق عالم را
 بهر تاریخ و دانش ز در قلم ملک دست
 شیخ اعلیاب احمد لکھنوی
 تاریخ حلت حاجی ملا احمد نراقی قدس سره
 که رت از کف خلق کهنین
 درین احمد اعلم بجا نه قطب زمان
 زو ت قطب نراقی و جیه درین
 زو این زمان بی تاریخ ادو پریم
 تاریخ ارتحال جناب حاجی سید محمد باقر صفهانی
 درینا جمعه اسلام بسته آنکه در عصرش
 عدو شرح زو محروس بود از شهر مشهد
 چو رت از این جهان کفای پس ز بر آید
 ز دنیا شد محمد باقر دین پروردگار
 تاریخ حلت حاجی محمد ابراهیم کلباسی قدس سره
 مطابق با سال میلاد نگارنده

۱۳-۹۱۷۷

شد چو حاجی محمد ابراهیم
 آن همین صدر دین ز دار جهان
 زو در پیش رقم بی تاریخ
 رت صدر همین بیویان
 تاریخ ولادت نگارنده
 که مطابق با سال حلت آن بزرگوار
 زهی میلاد سفینه زانه مولود
 نخی از شهر این مولود مسعود
 که در تاریخ میلادش فرود گشت
 به همین را ذی الحجه مولود
 تاریخ شهادت حاجی ملا تقی برغانی
 که در شهر مشهد
 حیف از شهیدان آن بخشیم قطب دین
 کوبد بزهد علم و عمل در جهان
 کشت ادب کتب تاریخ ادو پریم
 کردید آه و داد تقی قطب دین

(وله صین)

حاج ملا تقی قطب شهید ثانی
 آنکه در قدر و شرف قبله ثانی آمد
 بود چون مولود مسعود شرفش برغان
 ز رت تاریخ شهادت برغانی
 تاریخ ارتحال میر محمد مهدی اما مجمع طهران

رهبرفق جهان حبر امام جمعه
عل باغ نبوی میر محمد مهدی

گشت و صل چو سخن گفت تاریخ دست
ز جهان فرشت علوی میر محمد ^{۱۲۶۳} محمد

تاریخ وفات صاحب جوهر الکلام رضوان ^{علیه}

شیخ محمد حسن اکنه بوی او ستاد
بر علماء کبار زرقاء زین


رفش چو سوی بهشت آمد تاریخ از
از بهر علم شیخ محمد حسن ^{۱۲۶۵}

تاریخ ارتحال علی بن مکان حاجی ملا ^{استاد} آینه تجلی اسلام برود ^{تجدیدی}

هج ۱۰۸۵ است برود ای آن
که بهین چشم بادی بودی و قطب ^{قطب}

رفش زین طایف و دپرش پی تاریخ ^{سین}
شد سخن صالح ^{۱۳۷۱} مستعد است و اصل

مخفی ناماد بر وجه و مغرب برود کردت و بر ^{مخفی} است

که از ابرود و ابرود است حال کنند چنانچه منوچهری ^{دانی} گوید 

شکیر زین که بخت به در دست کرده است رخان زرد ^{کرده} برین ^{کرده}

قدیم ایام چنان بوده که بلاد و ستری را بنام اعضا و جوارح موسوم

می نمودند مثل عله و دستگرد و پا کرد و دیم کرد و برد کرد که این زمان دستگرد

دستگرد و پا کرد را فوج بود و برد کرد را بر وجه دینا مند و لفظ کرد جمع دست

و نسبت سبب آبادانی است و از آن سبب است که قری را بفارسی احمد آباد

د احمد کرد بهر دو پنج اند و برود کرد و بر وجه از آنجه است تعیین برود

نیز از کشفات و معلومات نگارنده است که شاید اینده ^{فصل} تاکنون

در جب نهان مستور بود و همچنین نام شهر بسطام که نام اصلیش تیم از بنای استم بود

که در قدیم مردمان را می نامیده اند و نام برادر استم نیز استم بوده ^{استم} این استم ^{استم}

این زمان با طایفه نوسیند از تصرفات تغیر و تبدیلی است که بعد از ^{استم}

عرب عجم اتفاق افتاده و بعلاوه الفی از اشباع فقه تا حاصل بدان ^{استم}

نموده انجار السطام خوانده اند و نیز نام استم آباد در اصل ^{استم} آباد و این ^{استم}

نوشیروان است اینان چند نامند که تغییر اصل آنان ^{استم} اطلاع یافته

تاریخ رحلت علی بن مکان میرزا ابوالقاسم امام ^{استم} حجه ^{استم}

۱۳-۵۱۷۷

مدفن در طهران عید الرحمة و الغفران

پیشوای اهل ایمان میر ابو القاسم که بود خردا امام جمعه طهران و مولد صفهان

کشت در ری فوت و مدفن کفایت تاریخ شد ابو القاسم امام جمعه در ری ^{۱۲۷۱} از جانب

مخفی نمااد در شبی که فردای آن میرزا ابو القاسم امام جمعه اعلی الله مقامه

وفات نمود میرزا ابوالحسن نام مستوفی که مردی متعهد و مقبول القول بود در عالم

رؤیا در همان محل که جای دفن و قبر مطهر میرزا ابو القاسم در قبرستان طهران آن

افشاده استن از مردمان فزانی بزرگوار قبر مطهر مینمایند پیش رفته به سینه

کیا نند استناد نمود که یکی حضرت خاتم النبیین صلی الله علیه و آله و دیگری حضرت

امیر المومنین و دیگری حضرت امام حسن مجتبی میباشند شوال نمود که این

قبر از آن کیفیت حضرت خاتم النبیین فرمودند از فرزند میرزا ابو القاسم

بعد از بیدار شدن در قاف خواب خود را برای جمعی از ائمهات بیان نموده چون

در صدد تحقیق برآمد همان روز صدق رؤیا و کلمات او بوضوح پیوسته در

بعین روز صدق رؤیا و کلمات او بوضوح پیوسته در همان مکان نزد

کردید رحمة الله علیه

تاریخ رحلت شیخ مشکور عرب روح الله رحمة الله علیه ^{مکتوب مولد}

شیخ مشکور عرب آنکه زریه و تقوی داشت اندر ره دین کوشش و جهدی

شد چو زیند از فاشت تاریخ و سپهر طاهری جانان کرد ز شیخ مشکور ^{۱۲۷۲}

تاریخ احوال استاد المجددین و مقتدی العلماء و ائمه ^{المسلمین}

عاجی شیخ زرقانی رضای قدس سره که (ظهر انصاف) ^{۱۲۸۱} در خفا از تاریخ است ^{۱۲۸۱}

اندر رضای شیخ شریعت زرقانی آنکه از علم و عمل لاج به از دی بوی حق

کشت چون دامن تجلی تابانیش در پر ^{۱۲۸۱} اس ایمان شش دین محبوب حق شد بوی

تاریخ ولادت میرزا عباس خان لدارسد ^{میرزا سلطان} در

(عراق مطابق تاریخ وفات حاج شیخ زرقانی اعلی الله مقامه)

دوشنبه نیمه شهر محرم را بیدی که کرد عباس راز احسان عطا کرد ^{باین}

۱۲-۵۱۷۷

بی تاریخ میلادش بگفتا تفسیر بزرگو
آنها صلوات عباس دایم بود فرخنده ^{۱۲۸۱}

تاریخ حلت رضوان جایگاه حاجی ملا میرزا احمد اندر ^{۱۲۸۱}

دین حاجی ملا محمد آنگو بود ^{۱۲۸۱}

ز خاک آنجا کش باشد آن در ^{۱۲۸۳}

ز دست مردم ری رش و اشتر تاریخ ^{۱۲۸۳}

تاریخ وفات میرزا حسین تفرشی المدعو بجای ^{۱۲۸۳}

کتاب قصه الیا قوت

حیف از خباب امجد اکرم بسید ^{۱۲۸۳}

کردید فوت و کشت تاریخ ^{۱۲۸۳}

تاریخ حلت حجت مکان شیخ عبدالحسین طهرانی

فوتش علام طهران ^{۱۲۸۳}

رش چون ^{۱۲۸۳}

تاریخ ارتحال ملا آقا المدعو بافضل در بندگی ^{۱۲۸۳}

۱۲-۸۱۷۷

حیف ز فوت بی تا آقا ^{۱۲۸۶}

کشت محمد بن محمد کشتش تاریخ ^{۱۲۸۶}

فحی خاناد از کرامات ^{۱۲۸۶}

یکی در خاتمه حال شاهزاده علیقلی میرزا ^{۱۲۸۶}

بچند سال قبل از وفات شاهزاده ^{۱۲۸۶}

تالیفات خود مرقوم داشته ^{۱۲۸۶}

وفات ^{۱۲۸۶}

در روز عاشورا ^{۱۲۸۶}

مینمودند در عرض راه ^{۱۲۸۶}

زمان برادریه مقدس ^{۱۲۸۶}

بقدر رنج فرسنگ ^{۱۲۸۶}

از وقوع آنحال ^{۱۲۸۶}

آن بزرگوار و جناب حاجی میرزا آقا محمد تبریزی در طرف سالی ۱۰ عدد
 طران بجزیرة قدس احوال حسنة اجداد مطهره در ادرترب یکدیگر در دهنه نهادند و
 که کبریا و کجف عمل نمایند بواسطه عواقب چند دوسه سال آن امر بوده احوال شاد
 بعد از فرغ عواقب که اجداد آن دو بزرگوار از دهنه پرده آوردند جسدها منقطع
 را دیدند که بسبب من الوجوه احضا و جوارح از هم پناشیده و صحیح و سالم نه
 به آن سینه که ساقی قبل در خواب رفته اسباب حیرت ناظرین گردیدند
 انشا مردمان جوته جوته تماشای ان جسد فرستند چون جسد مطهر آن بزرگوار
 تم رسانیدند امالی تم که آنجیز قبل از رسیدن آن جسد مطهر استماع نموده بودند برای
 آنکه بسین یقین مشاهده نمایند با طراف کالبد او را ضرر کرده صدق مطلب را
 معاینه مشاهده نمودند رحمة الله علیه

تاریخ رحلت حاجی میرزا آقا محمد تبریزی

قدس سره در طران

نقیه

۱۲-۸۱۷۷

نقیه خطه تبریز باقر اندر ری
 ز دست قابضان چون گل جلوه کرد
 بوقت فوت که آمد غمخور تا پیش ۱۲۸۶
 از اینجان سوی فردوس دادان کرد
تاریخ احوال علیتین مکان آخوندلارین العابدین کلبادگان
 شد تیم افوس زهد و قدس دین علم عمل رضوان سهر علیه
 از وفات قطب زمین العابدین
 خراسان کلبادگان شد کشف تا پیش پر ۱۲۸۶
 شد صحبت اربع ازاده زمین
بصره کلبادگان نام شهر سیت در وسط عراق و خوب رود که
 از بنای کلباد نام از اعظم رجال دولت همایون دشر بن بن هفندی که
 بر ایران سلطنت داشت نهران همایون بنام نموده بانجام رسانید چون نام
 خودش مشهور و معروف گردید و حال آنکه خودش هم میل بن شهرت داشت
 باز اینقصیه بر خلاف میل و مکره طبع همایون اتفاق افتاد فرمانداد کرده شد
 دیگر بنا و بنام خود همایون موسوم ساخت و انجا از آن زمان تا قبل از آریه
 عرب بر عجم همایون نامیدند بعد از آریه عرب آنرا مترب نموده خان

خوانند چه عرب همایون را خانی خوانند و گلابدان را حیر نادقان و اکنون
انجلی بدی است که اخبار اکثرت استعمال نمین نامند و گلابدان بود که از سرب
جملات قدر همایون را بجز اوجت خوشکاری نمودهاستندهای اورا با جانت
مفردن نداشته جو ابداد پادشاهان تحت و حکم اطاعت رعایا در دنیا نیندین
تفسیر بعضی و تحقیق نام گلابدان از تحقیقات نگارنده است

تاریخ ارتحال ثقه الاسلام حاج سید اسد الله صفهانی قدس سره

حاج سید اسد الله فکقدر بر اوست نوشته آنکه بی از ندرنا در جهان
شد جز بیخ و پیش پی تاریخ شهر در حرارت اسد الله فرادین خان

تاریخ ارتحال عالم ربانی آقا سید اسمعیل بهرانی علیه السلام

زان فقیه بر آقا سید اسمعیل حیف آنکه حاصل بهرمان زد که در کتب تفصیلاً
شد ز دست اهل شرح و کتب تاریخ پر خدمت از زهد آقا سید اسمعیل

تاریخ رحلت فقیه صدیقی حاجی ملا جعفر حامیدی طهرانی

سردج جعفر عطاره قطب مذنب جعفر که در زهد و روح در دوره سن به بدین فایده
چو شد سوی خان کفشا در پرتو بخش ز باب زهد شد جعفر نزد جعفر صادق

تاریخ ارتحال حاجی ملا صادق قتی طباطبائی

چون فقیه از بد انعام تم در انجمن باز شد فقه و اصول و شرح و دیوان
زد تاریخ وفات او در قم ملک شد بخت حاج ملا صادق قطب علم

تاریخ وفات میرزا محمد علی شیخ الاسلام تفرشی

افسوس که رفت از جهان غمناام صدری که محمد عیش بودی نام
تاریخ وفات او در قم کرد سپه با دیبجان مکان شیخ الاسلام

تاریخ رحلت آقا سید حسین کوه کمری

سید اصم حسین آن آیت یزدان داشت از وجود آتش چو شمس کتی زردین
رفت چون زین خان که ان کفشا بخشید سوی فردوس بن شد سید دل

تاریخ رحلت سید المجددین آقا سید صادق

۱۲-۸۱۷۷

طباطبائی قدس سره

رئیس مذہب جعفر کہ بودی نام او صفا
 ریح و ویم از دنیا بسوی جسد شد
 بنا بر وفات او سپهر از راهی کفنا
 بخت اصل ایمان صادق آل محمد شد
 تاریخ ارتحال قاضی محمد باقر او ان کفنی معروف با صفا
 حیف زان قطب صفایان که بخت دنیا
 آنکه در فضل چنان بود که بجری در آن
 به تاریخ زاعدا در حرف جمعیست چار عدد کم کن از شیخ محمد باقر
 تاریخ ارتحال سید المجدین و پیشوای شریع حسین

حاج میرزا محمود بر جسدی قدس سره

روث حاج میرزا محمود انفعلی شریع
 زینجان سوی جهان از زند و قدس سره
 کشت چون ساکن بخت گفت تاریخ پر
 نام محمود او ش محمود و محمود صفت
 مخفی نای نام این منظومه را در زمان ترتیب دادن تاریخ حلیت
 آن برزگوار کرامتی عجیب و نادره غریب از روح پاکت ورد آن بخت

آنستید دین پرورد و الکر محوظ افشاد که از هزار آن محض سرور خاطر از اجابت
 چون سالی چند بعد از وفات آن بزرگوار غریبت جمع آوری در ترتیب این منظومه
 را مهتم آمدم تقاضا سال وفات ایشان از خاطر فاتر محو گردیده بود در هر کس
 پرسش رفت بلکه حقیقت وقوع این هم را معلوم نماید کسی را این داشت تا
 کشف این مطلب مبهم حل همیشه مختل ماند بعد از عدم وجدان و یأس با خود
 این بشیدم که بصواب ارباب میناید از نگاه حق غرور و تعیسین این مطلب
 نماید و از ظمینان توکل بر الطاف صانع حسنه و در کل مصرعی غنی بر تاریخ
 آنجناب طرح و عباراتی مناسب مقام در نظر آوردم و از روحیت نام علی الا
 در خواستم که هر گاه سیکه تاریخ در متضمن جامع باشد بر قلم القاء و بر خاطر ام
 فرماید کند ایک توجه این کلمات را که با نام مبارک ایشان مناسب است



نظر آورده ترتیب و منظوم نمودم (مصرع)

نام محمود او ش محمود و محمود صفت

۱۲-۵۱۷۷

جفت و صحیفه در بیع نختت رفت نجفی صلاح و سداد

زود پیش رقم پی تاریخ ^{۱۳۳} شیخ جعفر به از به زمانه

تاریخ ارتحال حاجی سید جواد مجتهد فنی

رفت دین از جهان حاجی سید جواد ^{۱۳۸} آنکه به از علم و زهد زینت این دین

از پی تاریخ او از ره جهان سپهر کفا (جای جواد شد همیشه بن

تاریخ رحلت آخوند ملا حسین شهبه فضل اردکانی در ^{عاشورا}

که عرقه بر تا ریخت ^{۱۳۵} کریم علی

مضمین آنکه در زهد و تقوی ^{۱۳۲} ندیدی در کرامت ایم چون اول

جفت شد و خواهی ارسال ^{۱۳۵} بگو فصل اردلان بی بی

تاریخ ارتحال علیتین مکان حاجی ملا علی کنی علیه الرحمه

ز دنیا جدا سلام مولانا علی آکو ^{۱۳۵} ملا ذوق بودی جفت سستی

بنوک خانه مشکین و پیش زود رقم تاریخ ^{۱۳۵} علی را با و رحلت از علی عالی

تاریخ رحلت رضوان مکان حاجی سید محمد باقر کریم در ^{۱۳۸}

زود سید محمد باقر آن مجتبی دین ^{۱۳۸} آنکه به چون مومن لطاق او زهد و

جفت از پر فرد تاریخ نوشت چون ^{۱۳۸} گفت بر کله بخت از جهان

تاریخ ارتحال فاشیخ زین العابدین زنده رانی در کربلا ^{۱۳۸}

شماره هفتم شد ذی قعدة مدنون در حایر

ای دین از زود زین العابدین شیخ اجل ^{۱۳۶} آنکه بودی غوث خلق و پیشوای

شد دست اهل شرع گفت تا غیش ^{۱۳۶} حیف این شیخ اجل زنده زین

تاریخ وفات شیخ محمد صادق مدرس همدا ^{۱۳۶}

ادیس مصر جبر اجل شیخ صادق آن ^{۱۳۶} کش سنده افاده بند جز در

رفت از جهان گفت تاریخ او ^{۱۳۶} نیردان بشیخ صادق به جهان

تاریخ وفات شیخ احمد امره جبرودی عراقی تفرسی المولد

فقیه تفرسی هر زمان شیخ احمد فاضل ^{۱۳۶} شد از ایندانی نخب آن

۵۱۷۷

از آنجا که نوشته شده است که در این کتاب...

۱۳۶ بیخو جا بجا نین دین شیخ زین العابدین

تاریخ رحلت عیسیٰ بن جابر میرزا حبیب الله

ایرغ از میرزا حاجی حبیب الله حسبر انکه در علم و عمل بر نخبه دور زمان

دخبت شد فوت و کشتا بهر بخشش در کرد بخم امجدی حبیب الله رحلت مکان

تاریخ ارتحال حاجی میرزا حسن شیرازی قدس سره

کرامت الله هو انفی انجید نیز تاریخت کوه کوه از قزوین

آن شرد کوزه شهر شعبان شد بخنده از شهر سمرقند

تاریخ ارتحال حاجی میرزا احمد رضوی حسره اسانی

علامه دهر میرزا احمد رح ددبنت و شد با هم در صف

تاریخ وفات او رقم کرد دسپ از او در فضل رضوی احمدی

تاریخ ارتحال حاجی میرزا ابوداد آقا محمد تبریزی

بدرت

چشمه چشم شعبان پتسیر بر آنکه بود مجتهد در فقه و دین ایندار فانی را بهشت

کشت در تاریخ فوت او در پاکدین مسکن حاجی ابوداد از فرزندان او بهشت

تاریخ رحلت حاجی ابوعبد الله زنجانی

فوت شد حاجی ابوعبد الله انکه دین و خردش به سالم

کرد مرقوم در پیش تاریخ ثم الدین لموت العالم

تاریخ وفات شیخ محمد تقی مجبور دی خراسانی رضوان الله علیه

محمد تقی آن متقی فقیه خراسان که در مراتب تقوی سببین علی جهان به

شد از جهان و تاریخ او در پرستم زد محمد تقی آن قطب دین بسوی بن خاشه

تاریخ رحلت آخوند ملا محمد باقر فشارکی صنفی

روث چون قطب فشارک بنیامان سوبان انکه فبنت آمد از زنده در و درع او را

بهر تاریخ و دانش ز درم کلاک دسپ شد محمد باقر عالم بخت از سبنا

تاریخ رحلت آخوند ملا عبد الله محمدی

ع

آن نقیه فعل عبداللہ دین پرور که داشت کارشروع دین زهدش رونق و نظم و نسق

شد چون رنید از خانها تا بخش دیر کشت عبداللہ عماد اهل دین اصل سخن ^{۱۳۱۴}

تاریخ قتل شیخ محمد تقی سنندجی کردستانی

در داکه در سنندج ناتی قتل گشت انعام و حیدر بیادش حُب دین

میجت هر کسی سینه قتلش و دیر کشت (نشد شهید محمد تقی زکین ^{۱۳۱۳})

تاریخ احوال علین مکان حاجی ملا محمد اشرفی نازندران

فعل قطب اشرفی آن کرد وجود آتش کشت اشرف اشرف و برادر محبت ^{سین}

گشت چون در اصل سخن گفتا بخش دیر شد سخن دهل محمد حجه الاسلام ^{۱۳۱۵} حق

تاریخ وفات شیخ محمد طاهر ذوقی رحمة الله علیه

در شهر جرب شد چون بلزار تنسیم آن قطب فکر دعت و بنام ظاهر

حوران پی تاریخ همی کشیدش ^{۱۳۱۵} أهلاً لک یا شیخ محمد طاهر

تاریخ وفات شیخ محمد علی ولد شیخ محمد باقر صفهانی

حیف و صد حیف که آن شهید آیین و دل بی خلق جهان محسب شرع حسین

از کف خلق شد خواهی اگر تا بخش شیخ ابن محمد علی و عجمی دین ^{۱۳۱۵}

تاریخ وفات حاجی میرزا حسن شیبانی در طران

درین حاج حسین میرزا حسن مه اعم که کس نبود چه ادب جامع علوم و معانی

شد از جهان تاریخ او دیر رقم زد ^{۱۳۱۱} جان کلان اصولی نقیه آیین

صفحه نماناد وفات حاجی میرزا حسن در طران در شهر جادی الاخر و پیش

در نجف اشرف در مسالی که نگارنده بزیرارت عبات مشرف گردیده بود

در محبت بوطن ملاف در خاقین عرب و عجم جازه ایشان مشاهد ^{۱۳۱۱}

که مصحوب یکی از ولدان ایشان محققاً بدالضرب حمل شده بود

تاریخ احوال افاضی علی اکبر فال اسیری شیرازی

حیف و قطب فال اسیر آن حامی دین حسین که کف عالم شد داینده افغانی ^{۱۳۱۱}

از پی تاریخ قتلش زود تم کلک دیر حاجیاه قبله ایمان علی ^{۱۳۱۱} کسب بهشت

۵۱۷۷

تاریخ غزل میرزا آقاخان صدر اعظم در ششم محرم
 تا که بودی مساعدش طبع در صدارت همی کوفت و بداد
 شد چو بکس آمدش تاریخ از صدارت یگانه اشاد
 تاریخ وفات حاجی میرزا حسین نوری که هر
 چهارم صفر سنه ۱۲۶۹

تاریخ صدارت میرزا آقاخان اعتماد الدوله نوری
 صدر اعظم شد با نوری نور از شرف اعتماد الدوله نوری که بد صدارت
 خواست از پیر خرد تاریخ در چون سپه کف او عهد اعتماد الدوله شد
 تاریخ غزل میرزا آقاخان صدر اعظم در ششم محرم
 تا که بودی مساعدش طبع در صدارت همی کوفت و بداد
 شد چو بکس آمدش تاریخ از صدارت یگانه اشاد
 تاریخ وفات حاجی میرزا حسین نوری که هر
 چهارم صفر سنه ۱۲۶۹

تاریخ انتقال میرزا آقاخان سپه سالار قاجار
 بنا کمان زبان مسیه ز آقاخان برفت آنکه بدی صدر دوده قاجار
 نمود از پی تاریخ اود سپه رزم گرفت وادی ملک عدم سپه سالار
 تاریخ صدارت میرزا حسینان مشیر الدوله فروغی و
 مشیر دولت چون گشت صدر اعظم ز سوه بدعت آزر خاطر که و
 چو بد رفت اوزین خالت او تیر بجز دخالت و تاریخ او نفاق
 تاریخ احوال آقای میرزا یوسف صدر اعظم شتیانی که در
 وفات کرد حسین صدر اعظم ایران عزیز نصر کرامات یوسف بن
 بوضع اجداد تصحیح آمدش تاریخ هزار و سیصد و سه بود دولت صدر اعظم
 تاریخ رحلت حاجی میرزا امجد الدوله

تاریخ رحلت محمد رحیمخان امیر نظام قاجار در ازبکان

بر اند چون زار و نیز خصم دولت و دین شد از جهان و خان دوش از سر ایزد
در کف از آردی بر تا بخش ^{۱۲۹۶} جزا دهد بمسیر نظام از ایزد

تاریخ رحلت میرزا هدایت الله شیبانی وزیر در

وزیر دشر شه میرزا هدایت الله که بکشیدگان دستگیر و خضر بنی
مه صفر چه شدش چا روی کشتی عمر غرق حجت شد از آن بسال غرق ^{۱۳۱۰}

تاریخ وفات دو سعلینان معیر الممالک ملوک نظام

صبح شنبه در سن محرم ۱۲۹۰ در دنیا نظام الله و له آن کور شد و اعیان
چشم از پر او تاریخ زناش ^{۱۲۹۰} خرد کشا (جنان جای نظام الله و له)

(توضیح در قانون توارد راین)

محل آن چنانکه در شاه عدل و صاحب واحد که فکر نمایند بواسطه آنحضار
و ثب بر آن معنی یکبار بطریق واحد نصب هر دو آنها میشود نظیر

از محمدین

از متقدمین آنچه تحقیر کیفیت آن مطیع گردید یکی نیامین ایشیح متخلص بسید
و امیر عشیر در زمان سلطان حسین با لقا و طغیان آن چنین است که سببی مزبور
در مدح سلطان احمد میرزا امیر سلطان حسین پادشاه منظم نموده از نظر امیر عشیر کیکی

از امرای و در ملک دانشوران و شرایه بود مانند چون امیر عشیر مطاع نمود
همه را بطرح یافت مکرر موردی بعد از اظهار نام محدود در ترفیع او بنا بر

یکت شتر مطلب زانها قصی یافت بسببی فرمود که اگر در نمود یکت شتر دیگر
افزوده میسگردید معنی تمام می بود پس از انصاء مجلس دولتی مخی لطف که

سببی بمنزل خود معاودت نمود در صد اصلاح آن بر آمد این شعرا
منظم نموده بر آن میفرود (نظم)

بهار باغ جوانی منال گلشن عدل کل ریاض کرم سر و جویبار و قاف
و تعب از روشن او امیر عشیر نیز در صد اصلاح بر آمد اور نیز بعینه
همین بقیه نظر عبود کرده و بخاطرش خلور کرده در رفته مرقوم که برای سببی

عارسال دارد در آن حال سببی خود را محبت و انشراح با میر علی شیر بر خواند میر
میر یوز آن شعر مکتوب خود را بوی نمود که با کیه کیه مطابق و صابیر بود هر دو را
نهایت شگفتی و تعجب از آن حاصل کردید

و در این زمان فیما بین کارنده و میرزا محمد مجتهد مخلص شاعر در نظم تاریخ وفات میرزا
نظام الدوله بمنظور اتفاق افتاد که حقیر تاریخ او را چنین رقم نموده بود

(جان جای نظام الدوله میدان)

و محیط شاعر نیز بعینها چنین چون حقیر بر کیفیت آن اطلاع یافت هم از باب
رنج اشتباه و هم نسبت آنکه عبادت میدان در آن روز در آن کوه خیل نارنجیت
ولی بیگ قاعده خارج از طلب است مثل بد آن و بخوان و بر کو و کو تاریخ و نحو آن
خود تفسیر داده چنین منظوم نمودم

چو جسم از دپر ادا تاریخ و فاشرا خرد کجا جان جای نظام الدوله
تاریخ وفات میرزا عبا سخنان توام الدوله

دفعه اولی
میرزا عبا

میرزا عبا سخنان کو به توام الدوله نوشت
از پی تاریخ و نش ز در تم ملک سپا

تاریخ رحلت مرتضی خان شهاب الدوله قاجار
بسال یکنه اردو سیصد هفت

تاریخ رحلت میرزا کاظم خان نظام الملک نور
آن را دوزیر یکم بدین کوه و فضل

تاریخ وفات سلیمان خان صاحب خستیا افشار
شده سلیمان خان خستیا آن میرزا کار

به چه صاحب خستیا او لقب چن شد
چار عدد دگم کن تاریخش (صاحب)

تاریخ رحلت علی قلی خان محسب الدوله وزیر و اخلاص
دزیر د اعنه آن اجدد سه

(رقم)

زینجان سوی خان آنانی نیکو صفا
شده توام الدوله آن مجرمه آنی

شهاب الدوله زین از فانت
در دوره نیام کس در غر و زین

مادای نظام الملک بجهت مینو
از جهان در ماه روزه

سفر چون ساز زین از من کرد

۸۱۷۷

معمول حساب سه خط متوالی بظرف عرض صفحه که بصطوح اهل سیاق آن
خطوط را دهنه گویند بویکه امثال آن در ذیل مرقوم است ده رسم نمایند نخست
اولی هر چه اعدا در حرفت آحاد است بنهار دهنه ثانیه هر چه اعدا در عشرات است
مرقوم دارد دهنه ثانیه اعدا در حرفت تا در رتبه نماید پس دهنه متوسطی
محصص مینمایند فوق آن سه دهنه مرقومه در وسط آن که بصطوح اهل سیاق
میزانست رقم نماید پس از آن ترتیب معمول اول اعدا در مرتبه مرقومه در
اولی را هر چه است جمع و حاصل جمع را ترتیب در فوق دهنه متوسطه فوق تر
اگر حاصل کمتر از عشره باشد و اگر عشره یا زیادتر عشره باشد زاید عشره را
در فوق دهنه متوسطه مذکور بنهار دهنه ثانیه اعدا در مرتبه دهنه ثانیه بنفرا
و حاصل را بنحو مرقوم در جای خود بنهار دهنه ثانیه اعدا در مرتبه ثانیه را بنح
مرقوم جمع و حاصل را در جای خود مرقوم دارد و اتفاقاً عدد سه سهل خواهد
و خاطر از سه خط محفوظ خواهد داشت

مثلاً این مصرع تاریخ رحمت عیسیٰ بن ماریان طوبی سایبان حاجی تاسی کجی پورا
اعلی الله مقامه که باید از اعدا در حرفت این مصرع مرقومه تا دهنه ثانیه
استخراج نمود (مصرع) علی را با در حکمت از علی عالی

قاعده استخراج چندین است

$$\frac{۱۳۰۰}{۶}$$

عمل میزان

| | | | | | | | | | | |
|-----|----|-----|----|-----|-----|----|----|----|---|----|
| ۴ | ۲۲ | ۱۳۱ | ۳۷ | ۱۳۷ | ۳۱۳ | ۱۱ | ۷ | ۸ | ۴ | ۱۲ |
| ص | | | | | | | | | | |
| ح | | | | | | | | | | |
| ب | | | | | | | | | | |
| ۱ | ۲ | ۲ | ۵ | ۷ | ۶ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ |
| عشر | | | | | | | | | | |
| ۲۰ | ۳۰ | ۴۰ | ۵۰ | ۶۰ | ۷۰ | ۸۰ | ۹۰ | ۰ | ۰ | ۰ |
| ق | | | | | | | | | | |
| ۱۰ | ۲۰ | ۳۰ | ۴۰ | ۵۰ | ۶۰ | ۷۰ | ۸۰ | ۹۰ | ۰ | ۰ |

این عمل را در هر عددی که در این جدول است
باید عمل کرد تا به این عدد رسید
و این عمل را در هر عددی که در این جدول است
باید عمل کرد تا به این عدد رسید

و در انشوران سلف یافته که سابقا در ایران وجود داشته و در مجموعه آثار ایشان
 از تصنیفات خود مندرج اکنون محض آگاهی و مطالعه ارباب پیش و در آخر
 در اینجمل مکتوب و به مجموعه ابحاث بنامه و آن چهار خرید است
 یکی (ساعت) و آن آنگی است که به آن تقسیم و شماره ساعت
 شب در روز از روی تعدیل تمیز دهند این احوال نام نشان آنرا آورده
 موضع یافته ام اول در کتابی از اخبار و سیر مسطور بود دیدم نوشته
 بدون اثرشید وقتی برای یکی از سلاطین فرنگ از صحران خود تخلص پیدا
 ارسال داشته از جمله آنها یکی ساعت بوده که اندازه پست و چهار ساعت
 شبانه از روی تعدیل ساعت ساعت تعیین می نموده و دیگر در کتاب
 ساعت در کتاب بنیت الجالس از ایفاتی سید محمد محمدی تخلص کرده
 که او معشر شاه سلیمان صفوی و جلوس شاه سلیمان در سنه هزار و هشتاد و
 بوده وی از آثار ساعت در کتاب خود چنین بیان نموده که مولانا محمد

احوال
 چند را
 گویند
 "

۸۱۷۷

مخمس عمارتی در جنب دار اشفا ساخته و مسند وقتی چوبین در غرضه آنهارت
لصب کرده که چون ساعتی از روز گذشته خود سی چوبین که بر بالای ^{نصب است} آن
در گردش آمدی و باندازه هر ساعتی که از روز گذشته باقی کردی و در زیر آن
آنصفت خلل پذیرفته (انتهای) و دیگر در دیوان بخشی شاعر که دی از آن
بدشان و در شهر ستمند مسکون و از صاحبین میرزا افغان پکت کورگانت
دی در ضمن اشعار خود چنین سروده

ای بدخشی زمانه محضرت
زین جهان در گذر که در گذرت
کایجهان همچو شیشه ساعت
ساعتی ز برو ساعتی ز برت

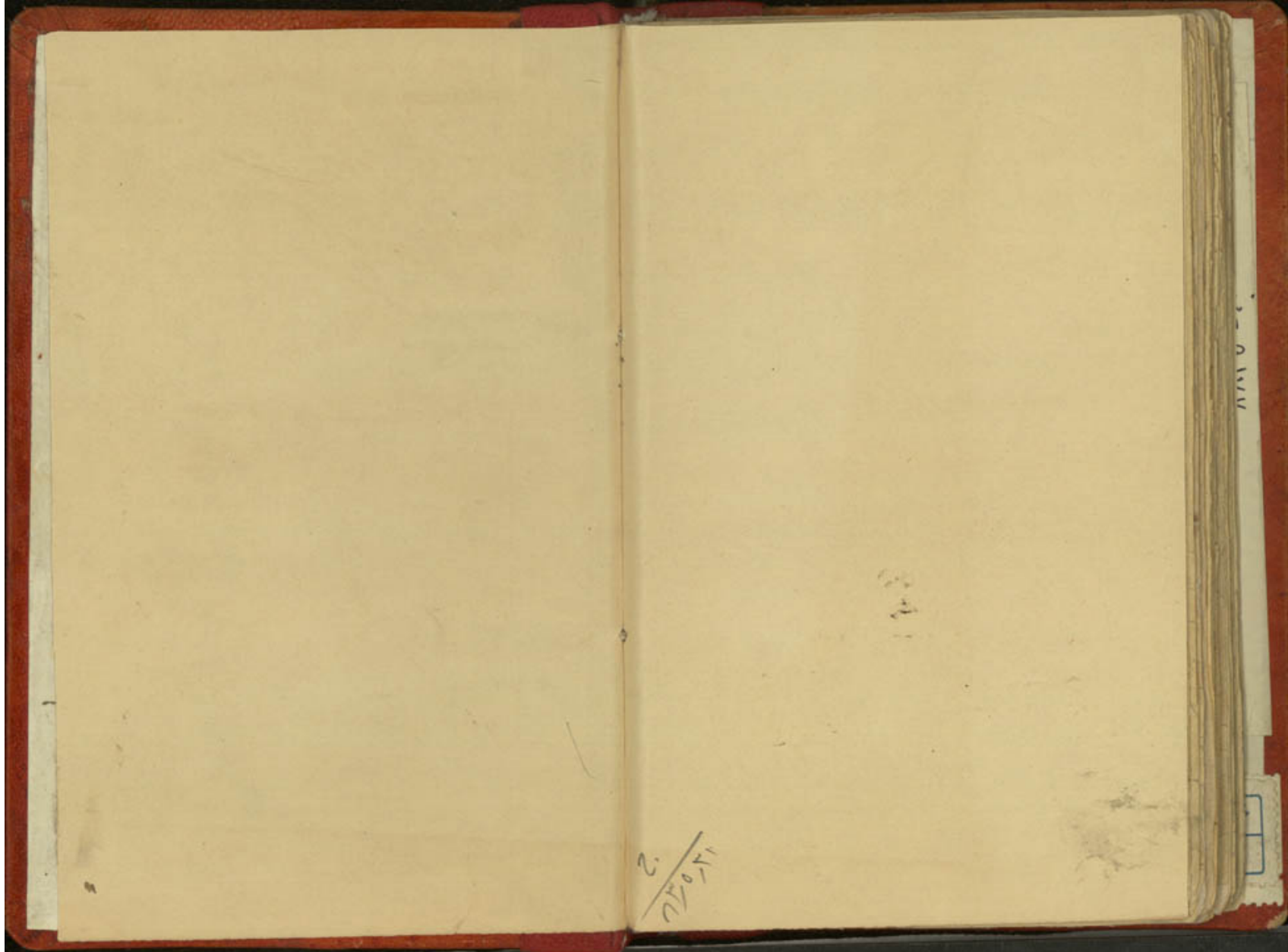
و دیگر غزایی که مؤلف از سیرتو اینج ویر تقدیمه یافته که سابقاً در ایران
ظهور و انتشار داشته و بعداً از انقلاب روزگار از میان رفته
این زمان بزا حدیث گریه (بالان) است و آن است
بمشایخه محضری گنبد مدبری از کرباس و مثال آن ترتیب داده

(مفاند)



مناقد آن را آسوده و نماینده و محل نشینگاه در کتب آن قرار داده ^{باید فرجه}
دو تن از استادان آن فن در آنجا پریشند و با قوه ناریه و بخاریه بطریق
صعود نمایند و از ماسکه آنقوه در آن قائم است بالا میرود و باز در مسکون
در جات آن قوه را ببرد کم میکند بتدریج بدون آفت و مخافت فرود آید
و اگر با طرفان بود یا حادثات دیگر در چهار کرد در بسبب اختلاف مواضع
حوالی و قرب همان جا که از آنخل بالا رفته فرود آید و نام آنرا بالان ^{خفته}
و عقیده مصنف آنست که قصه رفتن فرعون و کادوس با وح آسمان و رفتن
فرعون و دامان بجالم علوی بواسطه همین اسباب بوده و همانا واضح باشد
و ما ترش درین عمل از دیگران کامل تر بوده که ماه را از میان چاهی که صورت میداد
باز در میان چاه فرودی آورده بخلاف کادوس که از عراق باز آمدن در ^{شکست}
اشاوه و احتمال دیگر می رود اینکه در کتب مضبوط است که رفتن فرعون و دامان ^{سال}
بواسطه صندوق و کرس بوده همانا لغات آنرا که از فرود آن ^{نقطه} در این ^{تقدیر} ^{بسیار}

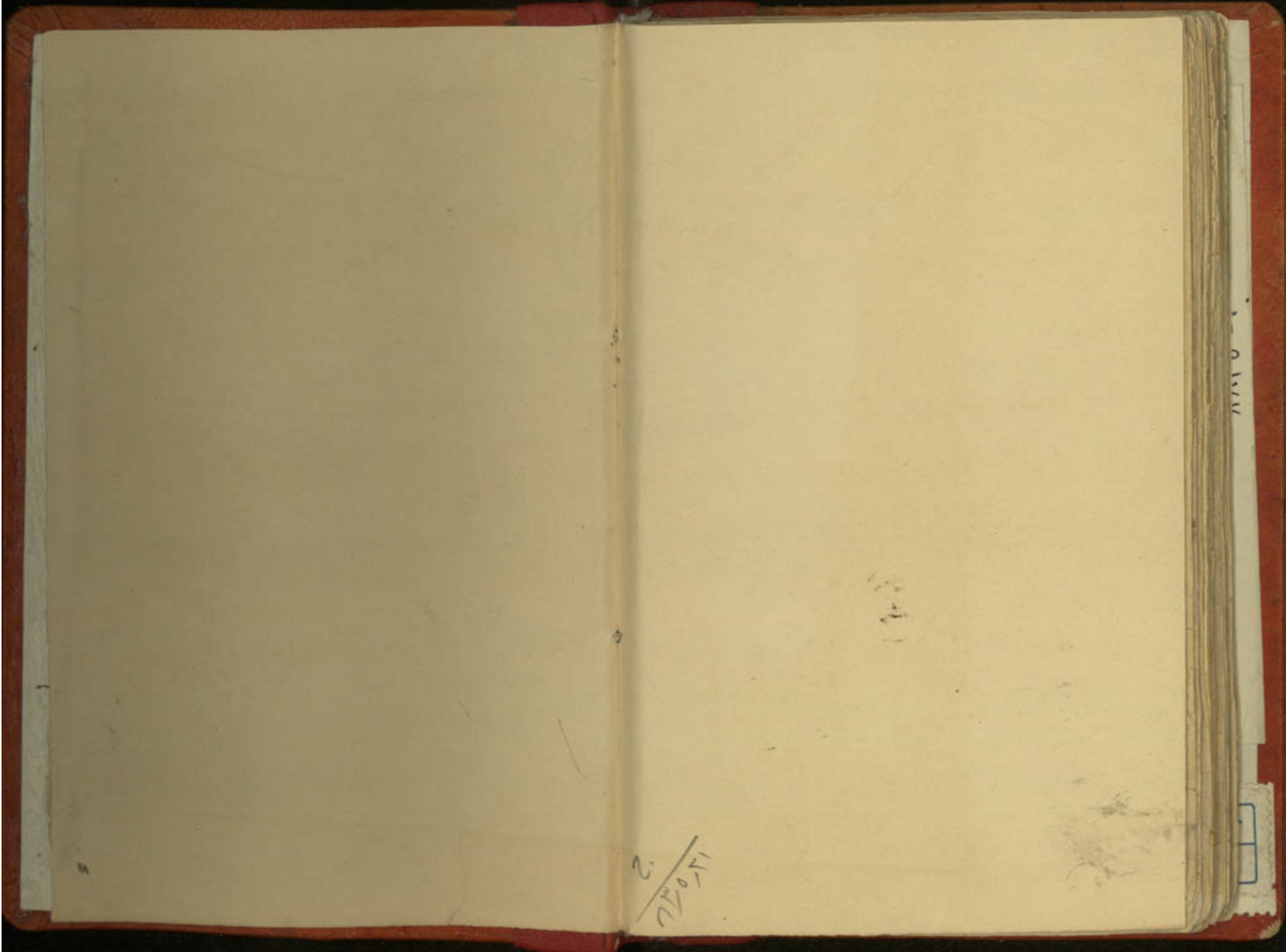
(فم)



2.
11/07/10

11/07/10





14070
2

